

# راه طهران بقم و ملطمان آباء

تعرفه نرخ حق امتیاز حمل و نقل عرابه رانی  
که از تاریخ دهم سرطان اود ثیل (اول ژولیه ۱۹۱۳) مجری است

نفره ترتیب	جنس ناقل	از طهران الی	عده فرسخ ها	میزان نرخ قران	حق اصاق که از هر یک نفر مسافر در هر یک فرسخ مسافت ملطوی دریافت میشود	ملاحظات
۱	کالسه یا درشکه یا کوبه یا لاندو یا سایر نواقل مثل آنها	قم	۲۴	۱۰۰		
	ایضا	عراق	۴۸	۲۰۰		
۲	گاری یا عرابه چهار اسبه	قم	۲۴	۲۰	۰٫۵۰	اولاً — همین نرخها در استقامت مکوس هم دریافت میشود
	ایضا	عراق	۴۸	۵۰	۰٫۵۰	
۳	عرابه یک اسبه	قم	۲۴	۱۰	۰٫۵۰	ثانیاً — میزان حقوق خط قم بقران بان قسم بدست میاید که میزان حقوق طهران الی قم از حقوق طهران الی عراق راجع بپردستگاهی کهست کسرشود
	ایضا	عراق	۴۸	۳۰	۰٫۵۰	
۴	گاری یا عرابه دو اسبه	قم	۲۴	۲۰	۰٫۵۰	
	ایضا	عراق	۴۸	۴۰	۰٫۵۰	
۵	انوموبیل بارکشی (کابین انوموبیل)	قم	۲۴	۵۰	۱ قران	
	ایضا	عراق	۴۸	۱۰۰	۱ قران	
۶	انوموبیل سواری	قم	۲۴	۱۰۰	۲ قران	
	ایضا	عراق	۴۸	۲۰۰	۲ قران	

حقوق امتیاز نواقلی که فقط یک قسمت از راه را طی مینمایند از قرار ذیل حساب خواهند شد

از طهران الی قم یا بالعکس و از قم الی عراق یا بالعکس

۱ — کالسه درشکه کوبه لاندو و یا سایر نواقل مثل آنها	۴	فرسخی	۴	قران
۲ — گاری یا عرابه چهار اسبه	۱	قران	۱	قران و شاهی
۳ — عرابه یک اسبه	۱۰	شاهی	۱۰	شاهی
۴ — گاری یا عرابه دو اسبه	۱	قران	۱	قران
۵ — انوموبیل بارکشی	۲	قران و شاهی	۲	قران و شاهی
۶ — انوموبیل سواری	۴	قران و شاهی	۴	قران و شاهی

تبصره — اولاً نواقلی که خلال مسافت میکنند فقط نصف حقوق مذکوره در فوق از آنها در یافت میشود ثانیاً — ز اشخاصیکه با دستگاه شخصی خود در این راه مسافرت میکنند خواهش میشود که قبل از حرکتشان برباست کل پست اطلاع بدهند تا اینکه گفتگویی بین آنها و اداره پستخانه رخ نهد

طهران بتاريخ ۱۰ سرطان اود ثیل سنه ۱۳۳۱ مطابق اول ژولیه سنه ۱۹۱۳

رئیس کل پست  
کامیل ملیتر

وزیر قواهد عامه و پست و تلگراف  
مستشار الدوله

# Route de Téhéran à Koum et à Sultanabad

## Tarif des taxes de monopole

du trafic véhiculaire, applicable à partir du 10 Saratan Oud-il

(1<sup>er</sup> Juillet 1913)

N <sup>o</sup> d'ordre	Espèce de véhicules	De Téhéran à	Nombre de farsakhs	Montant de la taxe Krans	Supplément par voyageur transporté et par farsakh à parcourir	OBSERVATIONS
1	Kaleské ou dorochké, coupé, landau ou véhicule de même genre	Koum	24	100		1 <sup>o</sup> ) Les mêmes taxes sont applicables en sens inverse. 2 <sup>o</sup> ) On calcule le taux d'Aragh à Koum selon le véhicule employé en déduisant le montant de la taxe de Téhéran à Koum du montant de celle de Téhéran à Aragh.
	idem	Aragh	48	200		
2	Fourgon ou arrabé à 4 chevaux	Koum	24	25	0.50	
	idem	Aragh	48	50	0.50	
3	Arrabé (chariot) à 1 cheval	Koum	24	15	0.50	
	idem	Aragh	48	30	0.50	
4	Fourgon ou arrabé à 2 chevaux	Koum	24	20	0.50	
	idem	Aragh	48	40	0.50	
5	Camion automobile	Koum	24	50	1 kran	
	idem	Aragh	48	100	1 kran	
6	Voiture automobile	Koum	24	100	2 krans	
	idem	Aragh	48	200	2 krans	

Pour les véhicules empruntant une partie de la route seulement  
les taxes sont calculées comme suit:

De Téhéran à Koum ou vice versa  
et de Koum à Aragh ou vice versa

1 <sup>o</sup> —Kaleské ou dorochké, coupé, landau ou véhicule de même genre	Krs. 4 par farsakh
2 <sup>o</sup> —Fourgon ou arrabé à 4 chevaux	1.25 id.
3 <sup>o</sup> —Arrabé à 1 cheval	0.75 id.
4 <sup>o</sup> —Fourgon ou arrabé à 2 chevaux	1.— id.
5 <sup>o</sup> —Camion automobile	2.25 id.
6 <sup>o</sup> —Voiture automobile	4.50 id.

N. B. 1<sup>o</sup>. Ce tarif est réduit de 50% pour tout véhicule circulant à vide.

2<sup>o</sup>. Les personnes voyageant sur la route avec leur propre véhicule sont priées de prévenir la Direction Générale des Postes pour éviter toute discussion avec la Direction des Relais.

Téhéran, le 1<sup>er</sup> Juillet 1913

Le Directeur Général des Postes,  
C. Molitor

Le Ministre des Travaux Publics, des Postes et des Télégraphes,  
Mostechar-ed-Dowleh

ایستادگار نامه و طومور پس

بجای سحاب صلیح کلهت محبت فرود که سرگز موموم کلهت کلهت کلهت

در آنجا که مهوره، خاطر مهر مطهر عشرت آفرین شمش هر در هر حریف

(کما که در کوه و در لجان و او میگویند و با کلهت که لغوی نمی یافت که کلهت در او شمش

بموضوع آلهت در هر محکم در حال موموم در هر است بر این مهور است

بدون برین محبت میفرست (در او را) کلهت در او را در هر موموم کلهت کلهت

و آنجا که موموم موموم موموم موموم موموم موموم موموم موموم

و جان است موموم که کلهت موموم کلهت موموم کلهت موموم کلهت موموم

موموم موموم موموم موموم موموم موموم موموم موموم

موموم موموم موموم موموم موموم موموم موموم موموم

کلهت کلهت کلهت کلهت کلهت کلهت کلهت کلهت کلهت کلهت

موموم موموم موموم موموم موموم موموم موموم موموم

نزد و چهار زده دولت خیر و بخلایع شرکت از طومر تفتانند و در شک و بخلایع سید روز

از طومر سبکی که ترک سیر شرکت را بنیاد حق مخصوص در آن بظن مخطیعه بعبود که در آن طرف

اگر که از بیخوس در دلی آن سیرت م از طومر سیرت از دور و بخا هر صا در بهر کلمه از ک

در تواریع ممالک محروم سیرت از آن هر از هر سیرت که بعد خطه صر فز ن سیرت و شمشیر سیرت

هست عید بر خط حکومت نمی اینی ضبط شده و در آن شرکت از دور سیرت سیرت

از کلهک سیرت از طومر سیرت کی که در م سیرت و در کلام سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت

دست عید صا زده محنت سیرت در سیرت از کلهک سیرت

دست سیرت سیرت که سیرت سیرت که سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت

سیرت صا در سیرت از کلهک سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت

بیک سیرت از کلهک سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت

سیرت با سیرت از کلهک سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت

با سیرت سیرت از کلهک سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت سیرت

که با اسب و کله که در لایح حضور منیر تر منیر لامل بر خورده در آن راه صبر و استقامت  
میکنند حق ظهوری و نه در این راه .

تو بیکت هم علا در از غیبت معلولی و نه آن از سرگشت که در وقت قیامت

باز رفیع همیشه بیستم سرگشت با بر

فصل چهارم - در زبانه صبر که سرگشت است صفت منیر بر کاف

فصل پنجم - در عین صبر صریح محبت منیر بر در هر راه که

در آن راه با آن مصداق با همگان نه در بار در مردم و است منیر در حق ال تعالی

فرموده بود آن باب است منیر فرموده که در این صفت بر طریقت در در حق که در حال منیر بر با جباران

و معنی غیر بود هم در در دانش آن پیش با ورود در دست عین صبر و در حضور صبر که

سرگشت در هر موقع منیر که اجازت بر سرگشت بر ماند در حال منیر که در در در هر راه که

با منیر منیر که منیر آن بر منیر سرگشت و لغیر جوارح حضور منیر که

در هر صفت در مردم در هر وقت که با منیر که در هر وقت در هر راه منیر بر هر راه

فصل ششم - در عبارت این زمانه صریح است که این جمله

سزا است و در توضیحی می خوانیم که بعضی است این جمله را

گفته اند و در صورتی که این زمانه را برابر کرده اند که در کتب

مکمل است و علم بخوان این زمانه را برابر کرده اند و این را

در صورتی که این است صورتی که در کتب دیگر آمده است

فصل هفتم - در کتابی که در این باره است

در بعضی نظرات در این کتاب است که در بعضی از اینها صریح است که

معلوم است که اینها در بعضی از اینها صریح است که در بعضی

با مضمون نزال و جواب غیر و گفته اند که در بعضی از اینها صریح است که

بخصوص ما این است .

فصل هشتم - در بعضی از اینها صریح است که در بعضی

در بعضی از اینها صریح است که در بعضی از اینها صریح است

در این شرکت خدمت فرمائید

فصل پنجم - شرکت حاضر بمقتضای تاسیس آن

تعمیر می نماید که در این موقع حضور شرکت کنندگان

در روز پنجشنبه که در این وقت حضور می نماید

فصل دهم - شرکت در طرح تاسیس

تاسیس این شرکت را در این وقت که در این وقت

در این وقت که در این وقت

فصل نهم - شرکت در طرح تاسیس

تعمیر می نماید که در این موقع حضور شرکت کنندگان

در روز پنجشنبه که در این وقت حضور می نماید

فصل دهم - شرکت در طرح تاسیس

تاسیس این شرکت را در این وقت که در این وقت

در بعضی مطالبات هرگز از عدالت دوره ادعای کسی صورت نماند اللهم حوا بولویک

فصل بیستم در علم — در علم نه سه مرتبه که در ادوار و طواریک

بابت از فرین و مهر و نسیب که در این مکتوبات در علم

فصل هجدهم در علم — این است که در علم نه فصلی در علم

و هر ما در نه در علم نه فصلی در علم

علم الله در علم نه فصلی در علم نه فصلی در علم

جواب سئوالیه محضرت و لغو مایه در علم نه فصلی در علم

مکتوبات در علم نه فصلی در علم نه فصلی در علم



کرتاسیب تشکیل یک کمیته فوری براد

با سیوشوال امور وکیل مطلق شرکت ایرانی

ستاد و نامند ما این جناب میرزا محمد و خان

نداختن اقامت او طومور میل لفظی و لکچر تشریح

و فرائضی که مقرر گزنی در پاریس و در پاریس

وزیر و با بر صاحب استیضاد و انجمن شهر

و بخاری و غیره بر زبان بریدن در تمام طرف

من ۲۳ پاشه با فصول ذیل منصف شمر

سفر و مال آهت بود بطه و در طومور پشنگ تمام

و تاریخ ممالک مورد کشف بعد از ابراهیم و اولاد

طرف و تواریخ ممالک محروسه سواش قشایر

ایرانی و فرائضی تشکیل یک کمیته فوری

فصل اول — جناب میرزا محمد و خان

کرد و تاریخ شرح سواش اول ۱۳۱۰

شرکت ایرانی و فرائضی و فوری می نمایند

وزیر و با بر موجب پانزده نامه مذکور مجاز

از طرف دولت علیه ایران جناب سید

و محنت راهت

مرحمت شده .

فصل پنجم — سرکار جدید و زمین سرکار

فصل پنجم — هر وقت شرکت ایرانی

فصل دوم — شرکت ایرانی و فرانسوی

ایرانی و فرانسوی ظهور نماید وزارت امور خارجه

و فرانسوی بخوابد برانی شرکت و بنام شرکت راهبانی

تتبع بنامید که این مقوله نامد اسطرابی

دولت عقیده با شرکت فرانسوی که ظهور نمود در فرنگ

در راه راه شرکت اول ظهور پیدا کرد سر راهی

چهار دهه گذشت از آن زمان مجتبی و اندام هر دو نام

اشکاف را خواهد کرد

هر راهی مدغم است باید تا یک وقت مجتبی کرد

فصل پنجم — شرکت ایرانی و فرانسوی

فصل پنجم — مواردی که منحل نمی باشد

بصورت جدید و اطمینان تمام شرکت کار در یکی از با منتهی

تتبع همیشه که بعد از ایرانی راه راه شرکت اول ظهور نمود

شرکت ایرانی و فرانسوی تشکیله شد که از این فرانسوی

طهران که از آن بعد از شرکتی مدتی بعد از آن

سخن را به دست

بر سه صد نفر و ده هکتار فدان و ده هزار تن و فدان و طبع

فصل نهم

این مقاله نامه نه فصل ورود و خروج نوشته

و سب اوله میوه

سند پترو که صدق شده از غایبی از کرایه مسافرت

و صدق او از بابت کرایه مال تهره از روی دفتر

یونیه حساب کرده هر سه ماهه و بده بخت حساب تملک

مدت چهار نامه کارهای نمیشد و هر طرف

شرکت خنجر یا سفقت نماید و غنی باین شایه

این از و نقل یونیه نوشته و اگر بابت فرود آمدن از بسلامت

هر قدر نتواند مدرم مش از طرفین بفاصله و نامه

بعد از رسیدن سوارو کای رسنا تسمیه قی شایه چهار نامه

و مقرر اوله نامه حاضر بر پارسیس و یکی از بکنای

ضمان امانت بگزارند که در حین سفر و ش

بعیامت آن سوارو در حین سفر و ش

و الا این سوارو نامه از و بجهت سبب تخطی و نامه

بر دارند شرکت نیز شرکا را ابراء و فراموشی با نیست

همام را به بیست و بقدر هر کس سهم برایش است

از آن خوانا به گرفت

فصل ششم — شرح طواری ابراء میرزا حسن خوانا

دشت که میگفتند این از طرف جنوبان بود شرکت خوانا

که هر وقت بخواهند از قطع و ضرر شرکت امان بهر دست  
مطمئن مطلع باشند و در این بین کینه و دروغ و غیبت

از طرف دولت بر آن رسید که به فائز حسین خوانا

حق کرده تقسیم کار کرد از آن دولت نشانی

فصل پنجم — چون این چهار و پنج هزار

از طرف دولت تقسیم بخواب میرزا محمودان در آن

مرحمت شد و حق طلق بر آن است در مصائب

حق چهار و زوجهت شکر این شرکت ایرانی و

ف. ا. س. ف.

ترجمه از روزنامه پطربورسکی ویداستی تاریخ ۱۱ فورال ماه روسی ۱۹۱۹ مطابق ۱۲ شهر شوال الحکم ۱۳۱۶

(رشت)

خبر کارامی نویسد که در ماه رمضان المبارک رشتین و مدیر راه شوسه انزلی و قزوین بدیوار کوچه های رشت اعلانی متضمن این مفید بنا  
چسبایند بود ۶ موافق فصل ششم ایازنامه که علیحضرت شاه بجهت ساختن راه شوسه از مرداب انزلی الی قزوین بکونپانی حمیت  
فرموده اند کونپانی مذکور عنقریب از قرار ذیل از هر قسم عراده و حیوان بارکش که بباروشن و یا خالی عبور کند شروع بکرفتن  
حق عبور و راهداری خواهد کرد

از کالک و اراده چهار سببه با سر نشین و یا بار از یکت الی ده فرسخ یک تومان . . . . .  
از ده الی بیست فرسخ بیست و یکقران . . . . .  
از بیست الی چهل فرسخ چهار تومان و دو تومار

از همان کالک و عراده که بدون سر نشین و بار باشد نصف قیمت و میزان قراردادی فوق الذکر اخذ و دریافت خواهد کرد  
از کارهای باردار . . . . . از یک فرسخ الی ده فرسخ ده ریال  
از ده الی بیست فرسخ دو تومان  
از بیست الی چهل فرسخ پنج تومان

از هر یک راس مال سگاری از قرار ترتیب و امتداد مسافت یک مال دو هزار و تا قزوین چهار هزار و اگر بدون بار باشد نصف  
این قیمت را خواهد گرفت) امضا ( گلینوسکی مهندس راه شوسه انزلی و قزوین )

کونپانی در کنار شهر در دو محل کنار راه بجهت کرفتن حق راهداری از عابریین راهدارخانه یکی برای خارجین از رشت و دیگری قدری  
دور تر برای واردین برشت بنا نموده یکیر اینها سبب محل موسوم براهدارخانه (پوسار) و دیگری ایند نام بجهت موسوم

نصوب ۱۵۸

کوپانی ارشدت میباید برپا کردن محل مصارف خود داشته نامی راه را که یک پل آن هنوز ساخته نشده و بیشتر از دو قسمت راه  
شود و کوپده نشده ابداً ملاحظه نموده شروع جمع آوری و گرفتن را بدارای از روی اعلان و قرارداد خود مینماید و علاوه  
یک روز قبل از آنکه شروع باین فتره کند قونول روس با اتفاق حاکم و کارگذار رشت و مدیر راه مذکور با تشریفات مخصوص  
بر سر راه آمده با غضب عکس امپراطور و پدقهای روسی و پادشاه شدن آب مقدس را بدارخانه و راه را با این عیسویان  
تقدیس و مفتوح مینماید و هیچ خیال آن را نکرده اند که این اعمال و مراسم مذهبی آنها در افتتاح راه در بلاد اسلام خوش آیند  
ایرانیان و مالی نخواهد بود آقایان از حرکت خودشان خوشوقت و مسرور مراجعت می نمایند

روز بعدش که بنای اخذ حق عبور میگذارد معلوم است احدی که بطیب نفس و رضای خاطر آن را بدارخانه برین بهم سرسند  
و از بی اعتدالی و حرکات مذهبی کوپانی و قونول روس دریای بعضی و کینه انالی به توج آمده مردم طقه پاشن بجز  
نما با چوب و چاق آماده شده رو بطرف رادارخانه موسوم به (پاخیتونوف) حرکت و حمله میاورند در سر راه اول کسی که  
بان جماعت غضب آلود مقابل میاید خود میر راه (گلیسکی) یاور و مهندس اداره نظامی تقاضیه میشود که سوار با سب و  
لباس مخصوص بوده چند ضرت چوب و چاق آنها را خورده از اسب می افتد بعد خود را بیک توری بر ابدارخانه  
مذکور رسانیده پنهان و مخفی میشود آنوقت سورشیان سیصد و چهار صد نفر و شش رادارخانه برده شروع بخراب  
و انهدام آن می کنند در و پنجره ها را شکسته و صندوق پول و تمام مخفیات را آتاج مینمایند <sup>شان</sup> و نه بخود بنای رادار  
خانه نسخه حتی بدار راه که با هزار خجست با تلفون از آن مابری بقونول خبر میداد از هر گونه ادبیت و ستم فرو گذاری و مضایقه  
می کنند

بعد از آنکه که گت مضبوط خورده و بعضی اعضای تنش خورد شده بخاطرش میاید که روی لور (پلای پنجه شش لول) همراه او است  
دست بان برده بنای تیر اندازی میگذارد ولی از بدبختی او باین دفاع خود از آن بمقت یکت سه هفت ساله بی گنا میر پایش  
رزه ناقص میکند تا قونول باد و نفر قزاق روسی خود محل حادثه وارد بشود جماعت کار خود را تمام کرده یعنی رادارخانه توبارا  
را با قونول روس رشت در رشت.

مخروب و بارزین کیسان کرده و باجال مغلوب و پریشان متفرق شوند

بعد قنول ما چه اقدامی در متنبیه بایشین و متکین کرده هنوز غیر معلوم و کسی مخبر نیست ولی یک خبر واضح و آشکار دست گرفتن  
حرکت رای رشتیان فی خزا و عقوت ما بذرا صورت محل بیج شک و شبهه نیست که نام بلند و بزرگ قدرت ما در ایران از دست

خواهد رفت و علاوه بعد با جلو گیری ایرانیها از این حرکات بیقاعده سهل و آسان نخواهد بود

اما اینکه طبیعت ایرانیها و عثمانیها و کلیه مسلمان ما آشنائی دارند یقین دارم در این مسئله با من هم برای و هم عقیده خواهند شد که

مسلمانها در حق ضعیفان نهایت درجه بی رحمی دارند حال اینکه سبب ارتکاب این جماعت به همین حرکت خارج از قانون که

بوده ؟

عقیده پشتری بر این است که بتحریک شرعیتهای رئیس علمای رشت بوده است اما آنچه اندازه این اقوال و عقاید مردم نزد  
بصدق و صحت است من نمیدانم ولی با کمال جبارت میتوانم این را عرض کنم و فیکه من با خود شرعیتهای رطالت کردم از خود این

در سر این غایب شنیدم (در تمام این واقعه خود روسها و قنول و کونپانی شما ویدر راه مقصد بردارید این قرارداد را بخوانید و  
خودتان انوقت انصاف بجهید که تقصیر که بوده است) با این اظهارات خود مشارالیه دست بغل برده کاغذی را در آورد

برای مطالعه بمن داد در آن کاغذ مهر کارگذار و ملک ارا حاکم سابق عمومی شاه حایه و امضای بوستلمان بدیر سابق راه و مهر  
قنول ما که تصدیق قرارنامه را کرده است بنظرم رسید و متن کاغذ بخط فارسی بود باین جهت در جواب سوال من که این چه کاغذ

شرعیتهای رشت قرارنامه است که باین امالی رشت و کونپانی راه شوسه ازلی و قزوین انعقاد یافته و مضمون آن این است و بنا  
کرد بخواندن آن (ما امضاکنندگان این قراردادنامه از یکطرف بوستلمان و کونپانی راه شوسه ازلی و قزوین و از طرف دیگر

ملاکین رشت و بزرگان و علما و باشرین دیوانی و رعایا این قراردادیم که کونپانی مذکور متعهد میشود از تمام اشیاء و ما یحتاج  
شهریان که از اطراف و حوالی رشت میآید الی امام زاده هاشم و پیره بازار ابداری نگیرد و در عوض ما امالی رشت تقبل بستیم

که تجارین بجهت راهدارخانه و قراولخانه در اطراف شهر کونپانی بدیم) شرعیتهای رشت در قرارداد را تا آخر خوانده گفت ما بعهده خودمان

عمل کردیم مجابا هر قدر زمین خواستند دادیم بقدر امکان در هر نوع همراهی بکونیانی مصلحتا نکرده ایم باین امید که کونیانی از ما بهر میزان  
 و در وفال و برنج و علف و گاه که برای مصرف و خوراک شهریان میآوردند حق عبور نخواهد گرفت و در واقع معلوم شد که ما ریاضا  
 و به شهریان و دهقانان بد بخت خود ما ز افریب داده ایم بر بارید میزان راهداری آنها را که اعلان و قرار داده ایم با قیمت بایز  
 زندگانی که از اطراف شهر وارد رشت میشود متعاقبا بفرمایند انوقت خودتان خوش و تعجب میکنید مثلا عتیت در یک و دو  
 فرسخی شهر درخت جنگل و یا باغ خود را بریده و میزوم نموده و ما را سب و قاطر کرده و خود با پای پیاده آن را میآورد بشهر بفرود  
 و بدر و مصرف خود برساند در راه یک ریال از راهداری میگیرند میدهند در شهر بار بهریم خود را بد و هزار میفروشند در مزاجعت  
 سیزده شای از میوه ایندی سچاره با یکصد دینار بقیه یک شبانه روز باید مال خود را خوراک بدید و خودش هم چیزی بخورد  
 یتیم است که کفایتش نیکند باقی را از کجا بیاورد از کفقره باید بیسار چیزی ببرد در اینجا من و نه قانون و نه حکم دولت زور و  
 قوت نخواهد داشت مردم فقیر و کرسنه خودشان را ازین گونه تقذیات بی رحمانه حراست می کنند ما چه میکنیم  
 ملائی محترم در این مقوله چند اعمی حرف زد و حرفی در جواب نداشتم سرم را پائین انداخته چشمهایم را بسطرنامی اعلان کونیا  
 دوخته بودم عاقبت بی اختیار اسی کشیده با ملالت خاطر خاستم و بدون اینکه از خجالت بتوانم تعارفات و لادبیات و  
 و رسومات معموله ایران را اظهار و ادابکم خدا حافظ کرده بیرون آمدم.

### ( مترجم )

و شخص خبر نگار با اینکه خواسته در اظهار مطلب کمال بیخبری را بخرج بدید معذکک خالی از اعراض نیست مثلا اینکه می نویسید  
 طفل هفت ساله پکنامیر با تیرایش خورد و ناقص کرده خلاف است و طفل نموده از اخبارات صحیح تحقیق رسیده که جوان پست  
 و دو ساله رشید و زیبا بوده از همان تیر کلینوسکی مقتول گردیده اولیای دولت علیه برای رسیدگی و تحقیق این واقعه  
 میرزا علیقلی خان مستشار السلطان را از طهران روانه و ما مورثت میفرمایند بعد از تحقیقات لازمه تقذیات و احجافات



کونپانی و درجه مطلوبیت انالی رشت در این مورد متحقق میشود معینا اگر چه قرار میدهند بعدا کونپانی موافق قرارداد و شرطها  
 خود از اشخاصیکه از اطراف آذوقه و مایلزم شهریان را وارد رشت می کنند را به داری بگیرند ولی بازده از برادران دینی  
 و وطن را در طلا، عام با چوب زدن و بعد به بریدن کوش و دماغ سیاست میکنند !!!  
 آنچه اندازه این قسم رفتار اولیای دولت با رعیت داری و حق شناسی موافق میاید من عرض نمیکم بهر آن شخصیکه فی الجمله  
 معرفت با اوضاع خارجه و قواعد مملکت داری اروپائیان دارد او خود ملقت خواهد بود پس برادران و هموطنان عزیز گرامی  
 و نتایج آنها نیکه یک وقتی دل طوایف روم و فرنگ را بلرزه میاوردند تا کی بجزاب غفلت اندر شده عیثت و تعصب و  
 حبت وطن را از دست داده به نظری اعتدالی به این بلای عظیم که از طرف مغربیان بجانب شما میرسد برای نیکه مساجد  
 شما مارا کلیسا و مزارع آبار و اجدادی شمارا نابود و محل آنها را سر باز خانه و طویله سازند خوا بید نکر سیت پادشاه و  
 سلطنت ما موجود خانه مارا باب مقدس تقدیس و به نصب صورت امپراطور خودشان بکاخکان تزمین میدهند  
 و ای ازلن روز که این نعمت از دست ما برود آنوقت معلوم است چه خواهندمان کرد چشمستان را باز کنید گمان  
 برادران همد و قفقاز خودمان بگریه بچند چگونه حال دارند اگر از من پرسید بجهت نجات ازین سیل بنیان کن چیست با کمال  
 قوت قلب عرض میکنم علم علم علم اگر حبت وطن ندارید از غیرت و حمیت بد بخانه بی بهره استید رحم با اولاد ما می خور  
 نیند که فرزدا مثل اولاد ما می خوریند و قفقازیه در خانهای صیویان به سبت ترین خدمت برای لقمه نانی تن داده نند  
 میکنند انواع ذلت و سرزنش بکانه را گرفتار شوند



شرکت بیگانه و از خصوصیتی بود عمومی و کماکان از آن ...  
 ایران ...  
 غیرت این جانب ...  
 قرار گرفته فقط محض آنکه طغیان خلق مستحضر شدند این مختصر اعلام و بدو فصل نقل فرمایند  
 یاری خدا و اوردی امام عصر علیه السلام وضع و مستشریک کرد که نام هم در وصف آن محترم آگاه  
 شود چنانچه در هیئت سهام شرکت خیالی مختصر خلاصه شده که از آن طبقه طلق توانند خود را  
 بر این آسک داخل نموده بوسیله آسک سهام این بنا را بجان و دل خریداری نمایند  
 هم از صف فوق العاده آن بهره ورگشته و هم مال خود را با این بر وسعت بزرگ کنند و  
 امانت مملکت سپردند و در واقع نیز خدمتی بدولت وقت نمودند باشند  
**صفحه تاریخ ایوان** نام نامی خود را از اجتهاد تقاضا عقاب و آینه کاران بیاد کار  
 گذارند و سعی کسب و تجارت و برودن فایده را بدادند  
 چون تا حال به تجارت و کسب مامنی و لذت کسب را بخشیده بلکه واضح تر که کوهیم از چهل سال  
 با بیطرف تمام تمام تجارت ما هر یک بقدر وضع و خواه خود مزدور و کارکن گمانینمایند و بر به بود و اند  
 که اما از خارج آورده بدو یک بود یک نیم منافع که همان اجرت مزدوری خود و نخواه خود است  
 بر دارند و حال آنکه تجارت خارج همه وقت نزدیک توان چنان در آن است  
 غیرند بطریق همین روش البته توجیه امام زمان همین شرکت اسلامیه در سال اولی

تجارت

شرکت بیکدیگر خواهد رسید بی پایه است که آن بیکدیگر با کوهی بود و از آنست که تجارت ملاحظه  
 ما را محکم خواهد نمود ملک و وطن را آباد و صنایع منقرض شده را احیاء نماید و از آنست که  
 احتیاج باسعه خارج بریزند تا ششهای قصبه نماند شده و خارج را که در عرضش روح و روش  
 مملکت باسیر و معروف دارد صنایع اشتاد آن خود را از آنجا بجا بیاورد نظر تمام صنایع  
 عالم است و در تمامها فایده می خورند که در کمال احترام که میدارند بحال اولین مورد رسیدن  
 مملکت را شوش و آهین کرده و طرح نقل را بر سهول خواهد نمود از قحط سالی و بقدری محکوم این دندان  
 بخانان سید و اطفال را از تربیت میکند در سال که هزاران از مکتوب برادران دینی بخارج  
 رسد فرست کرده در کمال فائت بزرگوری غیر منزه جان شیرین می سپارند بکار و نقل  
 مملکت باز خواهد داشت بر کاره از هزاران یک منافع و مفایده شش استخوانیم بر شامیم بخارج  
 نخواهد داشت و یک محض اطلاع عموم غیر متفردان و وطن و هواخواهان عالم انسانیست  
 عرض میکنیم که مجدداً از توجیه حضرت امام عصر علیه السلام نقل فرموده و همت و مردانگی جمعی  
 سکه نامان شاه دوست وطن پرست وقت نوا در شهر زو القدره ۱۳۱۶ اورشده ص ۱۱  
 که تبه آسکام و چون سلطان قلب ایران است که بشیر کنگرک مسالامیه نزدیک  
 کشته و در اینجدها ترقیات فائش نموده افش که بغیر شش این شرکت در آن کشته که در  
 الصبایع ایران است زینت فرود باز را از صفهان و طهران و غیره شده سخن  
 بهوش باز را دقیقه دقیقه قلب را روشن و روح را بیخ و آوده است چون در این

بدالتاب حاجی حبیب آقا اهل اصقمانی و هم اقبال و دکالت رسب حاجی سمیرزا  
 حبیب الله آجورکاشانی و امانت تجارت محترم کثید شده بهر کسی در بهترین سبیل شرکت کنند  
 ایستادم منطبعه بعضی در اداره شعبه شرکت در طهران موجود است مراجعت بایانای بند و کلان  
 بلا دریک هم در یک بند نظامنا ملت هر کسی در هر شهر طالب شود بود طهران کلان بیدر یک شرکت  
 وجه با داره مرکزی اصقمان برسانند سهم بخل و بعضی بجهت او درست ماده خواهد شد  
 رجای و اوقات که در سال اول و دویم قیمت سهام خلی تعقیبات کند چنانچه بخواهد که با یکی  
 معتبر در خارج سهمی که بیده توان خرید شده از بسبب اعتبار و فایده شرکت فوایده است  
 قیمت سهام است توان خریدده چون بکف معتبر خوب روز بروز قیمت افزون  
 خواهد شد و اما بیدار ایم این شرکت است که البته سال اول و این آن سخن شنیدن از این سهام  
 بیست و یک پیداکند هرگاه انشاء الله بیاوردی خداوندی چنین شد مشورت و صلح و دید کار  
 خواه اجز و دره خواهد شد از آنجا که غالب سهام این شرکت از اوستاده و این است  
 این سخن خود ضروری کرد و هر یک دارای چندین سهم متصفا هستند و همین خود یکی  
 از جهت اطمینان و قوام این شرکت که بیاری خداوندی تعقیبات که به یک نفر  
 از برای همین شرکت تعقیبات خواهد شد

و کلام

تجارت را به تجارت کسب مالک نخواهد نمودند که علاوه بر سفار و روحانی دولتی و ثروت  
 و حکمتی کمتر از توانی و در سه قرآن خواهد بود نمود و کذا که اشخاص صبیح از حد معمول  
 بنافع تجارت گرفتار معاملات ربوی و مؤانفد دنیا و آخرت و سعادت خدا و پیغمبر میباشد  
 ذاللت در راه نمانی بکنند بفایده طلال شرکت که هم پول آنها در محل معتبر گذارند و بیرون  
 از این فرضش عایدشان شود چنین برابر بود با است و طلال من آن است  
 از نت و اندام است و آبرهت و مرد و یکی تمام ایرانی ترا انداز علی و ادنی داریم که از روی ملت  
 خواهی که هر است است ما نمودیم خود را از فواید سعادت باین شرکت محروم نگذارند و بیست  
 شوند که با این بنا بقانات بخیلی عالی برسد و این سر است تمام است و این شرکت  
 هر قدر افزون باشد بیشتر مفادش که صرف متوجه ترقیات و اظلام است  
 خواهد شد با عقاد تمام دانشندان که از آنجا عالم ترقی مهم کامل  
 انشاء الله است این شرکت اول ثبات نیست بختی و آبادی مملکت و ترقی ملت خواهد  
 بود هر کار را اولی است این اول افتخار ابواب سعادت این ملت قدیم و خاک  
 قدیم خواهد شد بهست اولیا و حق و توجیه غیرتست ان چنانچه فصل مند  
 در نظامنامه خود که او و برهانی است و محض اطلاع عموم نامس  
**احوالان** بیو که شعبه این شرکت در تمام بلاد ایران بولکالت هر  
 این و معتبر شده خواهد شد هم چنانچه در دار الخلافه طهران برایتست بظان

کتابخانه

تکلیف الایمان

کتاب

لندن

جانب حاجی علی کبر صاحب، جرسراری  
جانب بنوید اسکرام مدبر محرم جرسراری

مصر

جانب سبط حاجی سلطان نوری

مصر

جانب سبط میرزا محمد جواد شکی صفه

استان اصفهان

جانب حاجی میرزا محمد شفیع آقا اهل اصفهان

لندن

جانب حاجی سید حسین افندی اصفهانی

مصر

جانب آخوند خاں صاحب اصفهانی

ایران

جانب حاجی زین العابدین تقی اوف و اولاد محرم ایشان



کتابخانه



کتابخانه

تجدید اخوت و عهدشراکت و افضله فیما بین علماء اعلام و اسرار کرام و تجار ذوالالقدر هم در  
از خواص عموم بیاری ویادی حضرت امام زمان صلوات الله و سید عالم علیه السلام  
مضول ذیل کتاب ؛

فصل اول اسم و مراد و عنوان کتاب و کلمات (شرکت سلاطین) پیشه  
فصل دوم بر حسب تجویز و تصویر بنامی مطهره یافت و شایسته کی است کل این  
شرکت در عده جانب سبط حاجی محمد سیرتی جرسراری است که است  
اداره جلیله کیانی سید ذبیح بیگمده ایشان و ضرب المثل بین لا قرآن است  
فصل سوم و کلا و بنامی اداره مرکزی اصفهان پنج بابی بود است بوجوب ذیل است  
جانب سبط آقا کاخ حاجی میرزا محمد شکی آبر صفهانی  
جانب سبط آخوند خاں حاجی محمد جعفر آبر صفهانی

جناب استغاب عمده الآخرة والاشرف حاجی میرزا علی محمد صحرانوی  
 فضیلتش در اسما و از جانب شرکت در کالت دارند که با اسفندی حاجی میرزا علی محمد صحرانوی  
 هر طور سه سلاح و غیر شرکت را بدینستند موقوف است  
 فضیلتش در مدیر و ناظمی مهران بعهده جناب سعادت نصیب میرزا احمد این صنعت باقی  
 فضیلتش در اسما و از جانب شرکت است که در کمال بنفید هزار تومان توان مظهر این صنعت باقی  
 فضیلتش در اسما و از جانب شرکت است که در کمال بنفید هزار تومان توان مظهر این صنعت باقی  
 که برستی در توبان با شریف کشت و نیز کار از خود بعد استم خواه راه رسید بخود اعلان شکر و غیره بگویند  
 فضیلتش در اسما و از جانب شرکت است که در کمال بنفید هزار تومان توان مظهر این صنعت باقی  
 غیر مخصوص شرکت است و سزاوارست و قدر کل داره مرکزی اسفندیان خواهد بود  
 فضیلتش در اسما و از جانب شرکت است که در کمال بنفید هزار تومان توان مظهر این صنعت باقی  
 فضیلتش در اسما و از جانب شرکت است که در کمال بنفید هزار تومان توان مظهر این صنعت باقی  
 شرکت است بعد از کمال بنفید هزار تومان اسفندیان و غیره مخصوص بنفید است و غیره مخصوص بنفید  
 است از این شرکتین مخرم خواهد بود و فرقی بصفتها شماره و اسم تاریخ را اطلاع داده و در وقت شرکت بنفید  
 فضیلتش در اسما و از جانب شرکت است که در کمال بنفید هزار تومان توان مظهر این صنعت باقی  
 نیز ایران اعزاز است کنین با نظره و غیره بنفید است و چنانچه ادق است استم بگردد استم بگردد استم بگردد  
 عبارت استم بگردد استم بگردد استم بگردد استم بگردد استم بگردد استم بگردد استم بگردد استم بگردد استم بگردد استم بگردد  
 فضیلتش در اسما و از جانب شرکت است که در کمال بنفید هزار تومان توان مظهر این صنعت باقی

جناب استغاب استغاب حاج میرزا اسدالتمثیل استغاب  
 جناب استغاب استغاب حاج میرزا اسدالتمثیل استغاب  
**فصلی استغاب** اسما و از جانب تمام شکر و کالت دارند - طور صیر و صلاح را  
 براندا اسفندی حاج میرزا اسدالتمثیل استغاب  
**فصلی استغاب** مدیری کل شرکت در اسفندیان بعد از حاسب عمده التجار حاج میرزا علی محمد  
 ادب التجارات  
**فصلی استغاب** چون داره اخلاص طران مرکزیت عمده داره و فرودش غالب است  
 شرکت در طران است جناب استغاب جلالت حاجی محمد حسین آقا امین الضمیر  
 کل نموده شرکت است طران مخرجند  
**فصلی استغاب** جناب عمده التجار والا غاطس حاج میرزا حبیب الله صاحب کالت و کالت  
 و بنا شری کلیر رجوعت شعبه طران بین کشت که در بنای شتاب رئیس کلیر طران و صورت بنای  
 مرقوم در ذیل هر کار شرکت پروراند  
**فصلی استغاب** اسما و از جانب شرکت طران از این قرار است بنای استغاب  
 جناب استغاب عمده التجار والا ایمان حاج میرزا حبیب الله صاحب کالت و کالت و کالت و کالت  
 جناب استغاب عمده التجار والا ایمان حاج میرزا حبیب الله صاحب کالت و کالت و کالت و کالت  
 جناب استغاب عمده التجار والا ایمان حاج میرزا حبیب الله صاحب کالت و کالت و کالت و کالت

تجارت شرکتی در راه و بر حسب اقتضا و کمالات این شرکتی با از اجراء مجتمه شرکت انجیری روی در قمره  
در روزها اعلان نمود و منتشر خواهد نمود و که در وقت حضورند

و کلیت آن بر تصرفی در سبب شرکت نمود و فوراً اعلان عمومی می شود

تعیین وقت لایحه نام اجراء و از ترتیب در پیش گرفتن آنست که شرکت حساب الترتیب موجودند یکس خود را از مقدمات  
شرکت بر شایع و داخل صرف رسانند (تکلیف شرکتی و محضری)

تعیین وقت لایحه هر کس از راه های ایران پرک افراط و تفریط اگر از طرف خود بخواهد شرکت نماید

از سهام خریداری کنند بخواهند بر حسب مقتضای این طرز اطلاق داده بقیه سهام را از خود  
تعیین وقت لایحه هر یک از شرکتی بخواهند و چون در این یافت نمایند صرف مدت شرکت با بدست آوردن

با داده که در حدود و حدود اطلاق در هر یک از سهام شرکت نماید و ضرورت رفع در وقت مخصوص نمود

او را باید بدهند و آنرا سه سال حق مطالبه سرمایه را نماید از این رو با این

تعیین وقت لایحه وضع حسابات در هر سال از ترتیب هر مرتبه است که در شرکتی خود حسابات شرکت

علوم و اعلان خواهد شد حسابان سهام خود با این معنی داده شده شرکت نماید شایع خواهد بود

حساب مخصوصی از خود نمود و همچنین سبب می باشد

تعیین وقت لایحه اگر چه قانوناً بواسطه اطلاعات در روزها حسابات سهام را از کار شرکت

مطالع نماید اگر کسی بخواهد اطلاع کامل حاصل نماید بخواهد بدین ترتیب شرکت نمود و حضور خواهد

(وضع بینه در وقت اعلان وقت استخفاف بین شرکت)

بجلسه شروع نماید که در شروع حسابات لازمه است و در این حسابها در وقت اول سال  
تعیین وقت لایحه هر کسی بخواهد در این حسابها بخواهد در وقت اول سال حسابها را از کار

استخراج نماید

تعیین وقت لایحه بلا نظر آنکه سال اول شرکت در اول روز و داده و حسابات شرکت به موجب

علوم خواهد شد شرکت در آخر سال بداننده سهام و شرکتی در وقت اول سال حسابها را از کار

تعیین وقت لایحه در آخر سال در وقت اول شرکت حسابات را که در این حسابها در وقت اول سال حسابها را از کار

شرکتی در وقت اول سال در وقت اول شرکت حسابات را که در این حسابها در وقت اول سال حسابها را از کار

شایع را بصحبت حسابان اسم روزی باشد

تعیین وقت لایحه در هر یک از حسابها در وقت اول شرکت را که در این حسابها در وقت اول سال حسابها را از کار

تعیین وقت لایحه هر کسی بخواهد در این حسابها بخواهد در وقت اول سال حسابها را از کار

تعیین وقت لایحه هر کسی بخواهد در این حسابها بخواهد در وقت اول سال حسابها را از کار

شایع و اول و اول در وقت اول شرکت حسابات را که در این حسابها در وقت اول سال حسابها را از کار

اقتصاد و موقع خود در وقت اول شرکت حسابات را که در این حسابها در وقت اول سال حسابها را از کار

تعیین وقت لایحه هر کسی بخواهد در این حسابها بخواهد در وقت اول سال حسابها را از کار

تعیین وقت لایحه هر کسی بخواهد در این حسابها بخواهد در وقت اول سال حسابها را از کار

**فصل اول** در خصوص مطلقاً مخاریت آمده اند در تمامه کارهای شرکت و اجراء  
و استخراج شرکت محکمه بگردد ایشان خواهند بود

**فصل دوم** انسانی مجلس شورت خانی جمهوری باصفهان بهنگته کرد و نخستین مجلس هر روز  
یکشنبه بجمع مخصوص در اداره حاضر شود در مذاکرات لایحه درازند و باید بحکمستور در روز و روزگانه  
اداره رفقه مخصوص بکنند و در ای حضرات روزها اینها نوشتن بخرستند و در هر کاره فردی از اینها بگفت

و باغی در خارج میسر می شوند و دیگر اجباری خواهند گشت  
**فصل سوم** در این شرکت و استناد آن همه روزه ضرر و زیاده که تضییع است باید در دست آن

روز گذشته لایحه بفرستد در اداره شرکت حاضر شده بکار خود درازند  
(تعمین این اجراء مطلقاً باید میسر گزاسند)

**فصل چهارم** هرگاه فریبشی از جبهه هر شراع بشکست و از او شود قبول نشد و در صورتی که کویش  
عمده باشد از قیمت معمول صدی سه تخفیف داده خواهد شد مخصوصه منوج مخصوصه در این شرکت

**فصل پنجم** هرگاه از داخل یا خارج از تبعه دولت علیه کسی خترای که از این دولت بگردد  
باشد بکند یا صنعت بیدی داشته باشد بقره و بلی و بوق در انجام انکارند بگردد بگردد بگردد

و بعد از سورت و تحقیق شرکت حاضر است که در کارات و راه و لوگان یا درون هیچ و اسباب  
خارج باشد با رعایت ضرر خواهد نمود

**فصل ششم** کلیت تا بروات و بقوض او و گستردی شرکت در روز وضع شده به اعتبار



کسب کارشان مخصوص شرکت است نخواهد بود احدی از بهائیان نمی تواند بخران اوراق قبض  
یا براتی بدست مردم دهد

**فصل هفتم** چون مخصوصاً در آسایش شرکت خدمتی ابل و طرح ترقیات یعنی است بگردد  
هر جا چیزی که ضرر نداشت عمومی باشد در نظر آورده بشود بگردد بگردد بگردد بگردد  
خواهد شد

**فصل هشتم** خدای تبارک و تعالی و تنکی قیستش و زندگانی هم وطنان شرکت است  
حاضر است که حل و نقل جو بات و ضرر یا زحمال تنفرد و ولور عایت صرفه تجاری بهم نوبه باید و بگردد

اختاری انصافان چیزی فرو گذار نخواهد کرد  
**فصل نهم** انسانی شورتخانه شرکت باید هر یک قاراری بخواهد هم از سهام شرکت بشد  
که شخصی نیز برید بر امانت و دیانت ایشان شود

**فصل دهم** هیچ یک از کارکنان که در ولایات هم می شود نمی تواند خارج از ترقیات قانونیه  
است بگردد شرکت عمل کند یا تصرفی کند که اجازه اداره بگردد

**فصل یازدهم** بوی کلایکه در هر نقطه از جبهه دولت یا در جبهه اسوات شرکت تعیین می شود و حق است  
ایشان در ضرر و فروش صدی و اداری بگردد که از بگردد بگردد بگردد بگردد

بوقت ضرورت و بوقت که در شریقه بگردد و بگردد و بگردد  
بگردد بگردد بگردد بگردد بگردد

**فصل دوازدهم** و طای بلاد که خلا تعیین شده از این قرار است بعد از آنکه در با در شورت



جناب محمد صبح صاحب کاردان و جناب محمد حسین صاحب تبریزی  
 جناب حاج میرزا محمود کاردان و جناب حاج عبدالرحمن تبریزی مدیر کاران  
 جناب حاج محمد باقر صاحب صفهائی و جناب مستطاب اسید عبدالرحمن  
 جناب مستطاب سید علی افندیابند محمد آدم میر القادر و جناب حاج لایحه کریم دانی  
 جناب حاج آقا محمد مرتضی تبرکاتی و جناب حاج میرزا محمد مهدی طبسی  
 جناب جلالآب آقا رضا ملک القادر و جناب الکریم ناجی کاشانی  
 جناب حاج محمد مهدی ناصر کاشانی  
 اداره مرکزی شرکت سهامیتهامان  
 جناب آتش مهدی محمد الزمنا ناصر تبریزی و جناب میرزا محمد آرزو رحمدلی همداخت  
 جناب حاج محمد تقی کاشانی و جناب توحید سبزوئی  
 کاشان  
 جناب حاج محمد حسن اناری و جناب آقا ناصر طهرانی  
 قشقل  
 جناب حاج آقا ناصر کاشانی و جناب میرزا محمد تقی ناصر صفهائی  
 حاج میرزا  
 جناب حاج سید ابوالکاسم ناصر صفهائی و جناب میرزا محمد تقی ناصر صفهائی  
 با دو کوکون و قدر کاردان جناب آخوند جو ارداش ناصر صفهائی  
 جناب حاجی نصرالله ناصر صفهائی  
 اشد خف

**کمالاً** جناب حاجی محمد تقی و جناب حاجی عبدالعظیم تبران اصفهائی  
 میریز جناب حاج میرزا علی آقا و مستطاب حاج آقا محمد علی آیدان آصفهائی  
 همان جبره جنابان سلطان حاجی محمد محمود و حاجی محمد حسن ناصر اصفهائی  
 کمالاً و کمالاً جناب جلالآب آقائی احمد خان ششتری ایلهائی  
 جناب حاج میرزا میرزا ملک بلالین بلالین و جناب حاجی بوکلانایید با وجود موطن و طرا  
 بوزارت مرکزی برکت سده سهامی معنی تبرکاتی و دهها برکت  
 جناب حاجی ادان ناصر شرکت سهامیته قبول و جناب حاجی برکتی و در حاکم مدد در امرای ششتری  
 اسرار را انجام داده علی الملل برکت سده  
 و همچنین شرکت سهامیته برکت علی الملل و در امرای مدد برکت سده برکت سده برکت سده  
 و اخلاص خارج خواهد کرد و به وسط و کلای می فروخته میرزا با در کفمننا و جناب سوز و آوا  
 تا کالی عمده مینمایند که در حق جناب لایحه طلب شود  
**خاتمه**  
 بیست شرکت سهامیته از تمامی و کلای مخصوص خود و مخصوصاً و در فایده عموم هموطنان  
 خواستند است که در امر خود اداره و در اینگونه شهبان شرکت اصفهان منتوج نمایند  
 چنانچه در طهران بوخت و نیز سدهی حضرت سیدگان قالی اهل لایحه و اعتبار  
 و در کاشان و در اصفهان و در آملان شرکت فی شهر تبریز و در کاشان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 مَثَلُ الَّذِي يَنْفِقُ مِمَّا رَزَقَهُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ يَشَاءُ يُنْفِقُ سَبِيحًا  
 فِي كُلِّ سَبِيلٍ فَأَنْزَعَهُ اللَّهُ كَيْدَهُ وَأَنْسَعَ عَلَيْهِمْ



بسم و منافع کتبی و غیره از عواید سهام شرعی  
 ۱۳۱۸

چون شرکا محترم از عواید محترم لغایت شرح ذی چه بجز آنکه داده سهم خندان بر اضراب و تقسیم تومان بیت و بنحوی غایب از عواید

عاید شرکت اسلامی		
نهار بویسه و شام	مخارج یکسال	فروش سهام بدفات لغایت شرح فرجه
اعصاب	مکافات کاغذ بخت	۳۳۳۳۴۴۴۴۴۴۴۴
ضرر اجناس	طاری و تفریح	ساده در خارج و غیره موجود است
اعصاب	کسر پروا و سبب الاله	۱۳۱۲
اعصاب	مطالبات لاوصول	۱۰۰۰۰

حاصل معاملات داخله و خارجیه بوجوب فایده اسلامی		
از منوچار ضعیف	از شمش و ربیان	از معاملات شرح
صفت بصر	الطریق	اعصاب
از معاملات الطریق	معاملات خارجیه	معاملات شرح
اعصاب	اعصاب	اعصاب
بیک سال قبل		
اعصاب		

اعصاب  
 در ایام حضرت باری جلالت نماید که در وجه شرکاء برداشته شود

بجاء الله و الله محاسباتیم شرکت مبارک از منیات مقدسه حضرت انیس شاه اسلام ارواح العالین  
 و توجات مخصوصه حضرت امیر الاطفال الشکطان روحانده پهلوی عاظم رجال دولت ابدایت اقدامات علیای  
 کثرانه اشامل صاف و بامضای انیسای عظام و تصدیق جناب فحامت نصاب رئیس کل رسیده عطای حضرت اور  
 بعد از مخارج و ضرر بقرار تومان بیت و پنج شاهی دو غاز حاصل از دفتر معاملات خارج و تحویل صرفه فحامت مبارک است  
 شد حضور عموم شرکا از حمت آنکه عادل سبها یک از شرکت مقدسه در دست دارند و چه داده اند قبض رسیده حضور دار  
 مرکزی یا توسط وکلای محترم بلاد رسیده منافع سهام خود را دریافت فرمایند این نکته بزرگ باب خرد پوشیده نیست که فواید  
 شرکت اسلامی نه منحصرا من قبیل مبلغ است بلکه منافع کثیره از این اتحاد اسلامی عاید دولت و ملت است تقریر این  
 در نظرف بر سال اسباب فاه فقرا و دستگیری ضعیف می شود چه قدر بیکار مملکت را مشغول کار و کسب نموده خداوند  
 بر توفیق غیر متمندان بفرماید که در فکر ترقی مملکت و ملتند  
 فی شهر صفر ۱۳۱۹

تصویر ۱۳۰

عزیز خاندان اعلیٰ عالیہ مالک التجار کے لئے ہر روز صبح و شام اور روزانہ چھ گھنٹے کے لئے ہر روز صبح و شام اور روزانہ چھ گھنٹے کے لئے ہر روز صبح و شام اور روزانہ چھ گھنٹے کے لئے

حد تک مالک التجار کے لئے ہر روز صبح و شام اور روزانہ چھ گھنٹے کے لئے

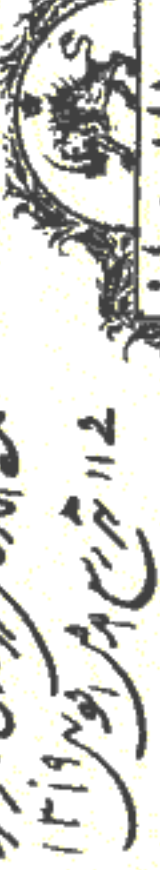
روز	پہلا وقت	دوسرا وقت	تیسرا وقت	چوتھا وقت	پنجم وقت	ششم وقت	ساتھ وقت	آٹھ وقت	نواں وقت	دسواں وقت	ایکادہ وقت	بازار
پہلا روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
دوسرا روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
تیسرا روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
چوتھا روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
پنجم روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
ششم روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
ساتھ روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
آٹھ روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
نواں روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
دسواں روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
ایکادہ روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
بازار	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...

حد تک مالک التجار کے لئے ہر روز صبح و شام اور روزانہ چھ گھنٹے کے لئے

روز	پہلا وقت	دوسرا وقت	تیسرا وقت	چوتھا وقت	پنجم وقت	ششم وقت	ساتھ وقت	آٹھ وقت	نواں وقت	دسواں وقت	ایکادہ وقت	بازار
پہلا روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
دوسرا روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
تیسرا روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
چوتھا روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
پنجم روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
ششم روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
ساتھ روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
آٹھ روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
نواں روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
دسواں روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
ایکادہ روز	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
بازار	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...

بازار کے لئے ہر روز صبح و شام اور روزانہ چھ گھنٹے کے لئے ہر روز صبح و شام اور روزانہ چھ گھنٹے کے لئے ہر روز صبح و شام اور روزانہ چھ گھنٹے کے لئے





بسم تعالی

داران قافله ایچ در فدا ستمین باغ دهر کتید علی این انشید به کس بلغ چنگل ما

وقایع این دل بر این سز کتدی کنای دور و دروغ خالی کین چو اهل عیال نچرا در روز ما

سینما ایچ اهر با شه کما نگاه شاخا شهلا و نیز چو در ای کدر در در کاخ سب با کله خا

کتنا از عمل کدی کتا استی شخص و برای اطمینان عمو شو کا نوصیح می شود

نو سپس بر ایچ کدی پیشتد مگر ند اجنا عمالین کتنک هر کس هم از این ایشا خا

نخواهفت کدی عجا کتا لبنا کتا کتا و در او از صفا حاج و کیم صیما من کدی

با فی جوال هبل کما کس چکی سله کدی از کتیمقی کتا یا شهلا با بل طلایع کدی ایچ

با کتا شهلا کدی از کتیمقی کتا یا شهلا با بل طلایع کدی ایچ کتا کدی

کتدی کتا معقول با معکل کدی یا کتا معقل کتا یا شهلا کدی ایچ کتا کدی



- اسامی صاحبان خواتیم فوق از مزار تفصیل بدیل است
- جناب مستطاب حاجی محمد کاظم ملک التجار مالک محرومته ایران
  - جناب همخانم صاحب حاجی محمد صادق آراب رئیس طایفه امینی قزوین
  - جناب محدث نصاب آقا میر عبدالمطلب امین التجار
  - جناب محدث نصاب آقا محمد صادق آراب
  - جناب مجتهد نصاب حاجی میرزا علی اصغر آقا خا تجار معروف حاجی علی اکبر شیرازی و پسران
  - جناب سلا لة الالباب حاجی سید محمد مدیر کل
  - جناب صفات نصاب صنیع المسالك
  - جناب محدث نصاب حاجی محمد حسن ملک التجار عراق
  - جناب محدث نصاب حاجی حسینعلی صدوقخانه
  - جناب محدث نصاب حاجی علی مشهور به حال فروش
  - جناب محدث نصاب حاجی میرزا علی اکبر مشهور بشال فروش
  - جناب محدث نصاب حاجی عبد الرزاق تاجر اسکوتی
  - جناب محدث نصاب حاجی میرزا عباسعلی خلف مرحوم حاجی ابوالفتح
  - جناب محدث نصاب محمد آقا اخوی حاجی فرج صراف تبریزی
  - جناب محدث نصاب حاجی باهر صراف تبریزی
  - جناب محدث نصاب حاجی آقای صراف مشهور بکمیاب
  - جناب محدث نصاب حاجی لطفعلی مشهور با تحاد به

HAJI FATHULLAH FATHI DEZFULI & BROS.



AHWAZ.

مبلغ

۱۰۰۰

تاریخ هجری ۱۳۳۶ شمسی از سرکار آریطریان خدمت جناب طالب داریب عمده در تهره رجعی محترمی کید العالی السلام  
 عرض میشود در خط بذه الورقه بدت به یوم مبلغ نجاه و بیع کان را کفله در وجه حواله کرد جناب کدرب در عالی قای محترم بانک رسن ایستان قسبالم  
 کار سازی فرموده و این مورقه را منظر ادبیافت نموده و در حساب چکران عراق محسوب فرمائید این برات شتمن دو نسخه است هر یک اول بر صد صحیح

و ثانی باطل است

مهر آریطریان

مهر حاجی فاطمه

549  
 No. 10  
 عطا شد

MAGNETIC MECHANICAL BANK OF SHIRAZ

Rs. 1000

Dezd, 21 1907

خدمت جناب طالب داریب عمده در تهره رجعی محترمی کید العالی السلام  
 پس از تحریر این مورقه در وجه حواله کرد جناب کدرب در عالی قای محترم بانک رسن ایستان قسبالم

At sight of this FIRST of Exchange  
 (Second of the same Tenor and date being unpaid) Pay to  
 the Order of  
 the sum of

for Value received which please place as advised.

To Aga Ali Javad Afshar & Co  
 Bombay

مهر آریطریان



حاجی فتح الله فاطمی - زرفولی و اخوان

حاجی فاطمه

تصویر ۱۶۴

# اعلام

از جانب مکاره بزرگ تجارتي فراخي ساز مخصوص كربلايي كاظم و شهدي عباسعلي معروف به اسلامبوليان، جران تبريزي و اعمد در بازار امين الملك مرحوم كه نزديك بمالان كبران است، مشتريان محترم اعلام ميشود كه هرگونه مالهاي مخصوص شب عيد از تابستاني و زمستاني و ساير منسوجات ابريشمين و پشمين و زري وغيره از كارخانهجات معتبر لندن و پاریس و برلين و وین و ساير ممالك فرنگستان بكمبر برای فروش و محض خدمت بخریداران محترم بدار اختلافه آورده بقیمتهای مناسب كه موجب خشنودی مشتريين محترم تواند بود فروخته ميشود. و بجز امتعه حاضره باز تا عيد فيروز نوروز خيلي امتعه نوظهور بفرنگستان سپارش شده بي دربي خواهد رسيد. برای ملبوسات صاحب منصبان لشكري و افراد عساکر نصرت مآثر ملوكانه و متاعين مكتب حريمه و لوازم مخزن مباركه ملبوس نیز ماهوتهاي خوشترنگ و ساير پارچهها از هر قبيل حاضر است.

برای آگاهی صاحبان مناصب عالی نظامی و امرای لشكري و ساير صنوف قشون نصرت نمون بادشاهی اسامي بعض منسوجات پشمين و ماهوت كه برای پوشاك در كار است ذیلا قلمداد ميشود.

## ◀ جور ماهوت برای پوشاك عسكری ▶

ماهوت ابريشمي خوب. ماهوت فرانسوي اعلا. ماهوت لوبي اعلا. ماهوت فلفل نمكي اعلا برای سواره قزاق. ماهوت كلبي عسكری. ماهوت نخي برای عسكریه و فراش خانه. ماهوت برای قبا. ماهوت فرمايشي همدينگ. ماهوت كشي باق. ماهوت ضخيم برای ثيابة ماهوت كلاهي قوشون دولتي. ماهوت كلاهي اسل اعلا جور پوست بخارا. كاستور ضخيم اعلا برای پالتو. ماهوت كشي باق اعلا. دستكس ماهوت سفيد نظامي. ايضا دستكس سفيد نظامي.

## ◀ جور ماهوت برای لباس عمومي ▶

ماهوت فرانسوي نازك. قاسونه الموان و مشكي اعلا اعلا. شال ديت فرانسوي بسيار اعلا. قره مندوله سياه اعلا. كتان سفيد ممتاز برای لباس. كتان الموان خوب برای لباس. ديت مشكي برای آستر. ماهوت شلواري محرمات. قاسونه محرمات شلواري. قابله زير پيراهني پشمين و ابريشمين و ماهوتي و نخي همه جور. كازمير آستري بسيار اعلا. فانيه زير شلواري نیز از هر قبيل كه خواهند.

## ◀ جور اسباب اطلاق و بيل خانه ▶

دو فرش پشمي و كتاني. لحاف پشمي اعلا. سفره كتان سفيد بادستمال دوازده مردی و شش نفری و كارد و چنگال. ساعتهاي بدلي طلا و نقره مردانه و زنانه. ساعتهاي مجلسي منظور دار و وزنك دار و بيدار كن. ساز پيانو پايه دار و بي پايه سه جور. غلبان چيني و اسباب بلور و آجل خورهاي خوش قطع و ممتاز. دوربين هاي خوب و چاقو و قلمتراش و مقراض. پرده كشي شمع با اسباب. كاغذ ديوار اطلاق همه جور. اقيقه بنفشه. عطربنفشه. مجموعه طرح چين بسيار خوب. سنك روي ميز برقي.

## ◀ منسوجات زري و ابريشمين برای البسه زنانه ▶

(كه از هر جور مال نوظهور برای عيد نهي شده)

حريره های قاش نوظهور از هر جور و همه رنگ. مخمل دم گربه.

دو جور و همه رنگ. مخمل فرنگي ابريشم ساده اعلا. مخمل درياني نوظهور اعلا. مخمل حاشيه دار اعلا. مخمل بوتون. مخمل زري بسيار ممتاز. مخمل كل برجسته كه در حاشيه لفظا اما حرير است نوشته شده. مخمل كلدوز اعلا. مخمل كلدار خوب. مخمل منگنه. اطلس كل مخمل. مخمل تازه در آئين. زري طرح مادام بلوي پنج جور. حرير مشجر كلدار و انگوري. زري اعلا وسط از همه جور. اطلس ساده از هر جور. چادر شب بافته. بافته چادر شب. بافته دري اعلا. اطلس حريمي و ضخيم برای روي لحاف و صندلي و نيم كت. زري بنارسي از هر قسم. اقا بانوها از همه جور. طوري حاشيه دار برای زرجامه وغيره. طوري برای پرده. شمشهاي جور بچور. شمش زري دار و حاشيه دار. شمش فلايدوز برای پرده و زرجامه. بافته حلب. بافته تل بسيار اعلا. زري حاشيه دار تازه در آمد. چيت نوظهور انواع اقسام. سمفور عكبي از هر قبيل. شمش الماس نما و مليه دوزمالي و فرنگي. مبره مليه از هر جور و از هر رنگ. براق كلايتون. شال پشمي كلدار از هر قسم. شال پشمي ابريشمدار تازه در آمد. خاقالي زري نوظهور. اطلس كلدار. اطلس منگنه اعلا. اطلس طرح چين تازه در آمد. چارقد شمش زري. اطلس زري نوظهور. زري ماشه الله طرح چين. زري سفيد. چارقد تل كلايتون. شمش تل كلايتون. حرير تازه در آمد. حرير نازك بهشتي. حرير بنه كلدار. ريشه جبهه لباس و پرده. دستكس زنانه ابريشم و كتان كلدار. كفش لاستيك زنانه زير پيراهن ماهوت. زير پيراهن ابريشمين. زير پيراهن تازه در آمد. زير پيراهن نخي. زير پيراهن كوزك نازك. جعبه بزك و آينه هاي تازه در آمد. حرير ابري و افساني. چيت اطلس. ال فرانسو. چيت صوري نوظهور. چيت عكبي ضخيم برای پرده و رو فرش. مال خرازي از هر قبيل و از هر جنس.

بعلاوه اينها هر كس از بزرگان مات و رؤساي مملكت بعض مالهاي سنگين از قبيل كلسكه و اسباب آن. و بيل فرنگي. و اسباب خانه از قبيل صندليهاي زرينكار. و نيم كت. و ميز. و آيندهاي بزرگ زرين. و تصاور ممتاز. و تلبه آب. و فيطون. و ارابه خورد و بترنگ و كوچك. و ارابه كودك. تلگراف زنكار برای خواندن خادم و نو صكر باقوت الكتريكي. و چراغ الكتريكي. و تليفون ناقل صدا. صندوق تليفون برای حفظ صدا. پيش بخاري آهن. پيش بخاري چيني. چهل چراغهاي بزرگ گراتهاي بلور مال فرانسو. جارها و ديوار كوبهاي بلور و چيني نوظهور و ساير اسباب بلور و چيني. اسباب و آلات مهندسي. و اسباب جراحي و عكاسي. و اسباب نجاري از قبيل آلات اسباب در و پنجره و غيره. هر كس از حضرات صاحب منصبان لشكري و كشورزي البانهاي رسمي و نظامي از خارج خواسته باشند در سوزشكه ريع قيمت آنرا على التحسين بپردازند از فرنگستان برای ايشان آورده خواهد شد.

و همچنين هر يك از تجار ممالك محروسه ايران انواع مال التجاره از قبيل مال فلوره و ماهوت وغيره سپارش كنند و در رسدي پست بعيانه بدهند مكاره موافق حكومتورات با منعت جزئي قبول نموده بدينگ برای ايشان خواهد آورد. از ممالك محروسه ايران و بخارا چند بزرگس از مالهاي حاضر مكاره مذكور نخواهد در صورتيكه وجه را برساند موافق آنچه نوشته و خواسته است بوقت مناسب و بدون تاخير خدمت ايشان فرستاده ميشود.

(اعضا)

كاظم و عباسعلي تبريزي

۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

تصوير ۱۶۵

فصل اول در بیان

برای اینکه یکت مدتی ... است یکت خیرین ... غیر لازمی مثل شک و توون در دست  
حکمت قرار داده شود ... اگر توون فروشان در اول سال یک عده کمی بکنند  
پیدا خواهد کرد پس مکانی و اداری از شما که توون فروشان با ذون خوینند  
که با ذون و اجازه مخصوص اداره کل که کناناک ... است حمایت خباب این سلطان

فصل اول

هر شخصی که برای فروکش ... شکایت ...  
که توون آن موصل خواهد بود ... اول ...  
و دست که هر شخصی و اداری ...  
توون ... و ...  
مطلب ...  
خاکو ...

مجلس  
مجلس  
مجلس

مجلس  
مجلس

مجلس  
مجلس

سبب از آن ...  
این ...  
داره ...  
نظم ...

فصل اول

مجلس ...  
مجلس ...  
مجلس ...







بشرف عرض مبارك حضرت اجل عالی عرضه میداریم ما اواره گان وطن بحکم تقدیر یا فرار از ظلم و تمدی و یا کسب روزی در این بلاد غربت میان جمع مهاجرین متحد با علم قانونی اروپا بسیلی صورت خویش را سرخ و بهر وسیله در صدد نیکنای ملت هستیم بدبختانه بر عکس سایر مهاجرین که انواع مساعدت را از دولت می بینند ما حکم زنان سه شوهره را داریم زیرا اگر با مهاجرین اروپا گفتگوئی واقع شود بحکم مختلطه اروپائی که هیئت قضاوت از آنهاست باید رجوع کنیم و اگر بارعایای عثمانی طرف شویم بحکم برده فروشی سفارت کبری بحاکم اهلی یعنی دایه مهربانتر از مادر سپرده شده ایم .

خدای نخواست با برادران وطن اختلافی واقع شود گرفتار گران پیرحم و سرور مامور غیر مسئول عما بفعل میشویم این است حال زندگانی ما که با اینهمه فلاکت گذشته پس از اسوده شدن از این ذلت و رهائی از زحمت دنیا و رسیدن اجل موعود نفس آخرین را نکشیده گران درنده قونسولخانه چون لشکر کوفه به نهب اموال و سلب اشیای پردازد ما که بخون جگر برق جین و کدین چند دیناری تحصیل و بجهت باز ماندگان میگذاریم ارامل و ایتم ما محروم و نصیب وارث بزرگ اعنی جنرال قونسول میشود جمعی از محترمین و متمولین سابق که قوانین تبعیت بدین سختی نبوده تحت لواء رحمت روس و انگلیس رفته و برخی تابع دولت عثمانی و حکومت مصری شده خود را از این مهالک نجات داده اند ما جمع فلک زده گان بدبخت با بن اهانات و اذیات مانوس و از فرج مایوس چه اگر بصدارت عظمی یا بوزارت جلیله خارجه تشکی شده ما را محول بسفیر کبیر و شریک بل مؤسس این مظالم نموده اند حال که بحمد الله اساس مشروطیت بر قرار و اوازه دستور و مجلس مقدس شورای ملی بمسامع عالیان رسیده جرئت تشکی و بیان شرح حال مامورین را نموده ایم

اگر خواسته باشیم تمذیبات و اجدهفات مامورین ایران را مفصلاً عرضه بداریم مثنوی هفتاد من کاغذ شود همینقدر نتیجه رفتار و کردار آنها بامت مظلومه این شد که از سنه ۱۳۰۰ هجری تا امسال با وجود از دیاد ثروت و تجارت در قطر مصری و ازدحام مهاجرین از هر طرف از ۳۶۵۰ ایرانی تاجر و کاسب محترم قریب به ۶۰۰ نفر آنها از متوسطین و فقرا در تمام قطر مصری باقی مانده و اکثر آنها از ظلم قونسلگری فرار یا ترک تابعیت کرده گویا این يك نتیجه محتاج عرض دیگر نتایج نباشد این راجع بود باحوال شخصیه ملت . ولیکن خیانتائی که از مامورین بالنسبه بدوات شده اگر چه شرح مفصل است از آن گذشته محض استحضار حضرت اجل عالی بچند کلمه مختصر زحمت میدهم

(اولاً) هر ماموری که از زمان محمد علی پاشا وارد قطر مصری ندهد باستثنای چند نفر باقی بقدر همت خویش در نشان و رتبه فروشی بکسایند که از حکومت و دولت خویش دارای هیچ شئی نیستند علی اختلاف مراتبهم از ۵۰ الی ۵۰۰ لیره میفروشند باین ازادی جراند و مطبوعات در قطر مصری بدیعی است در انظار مصری و فرنگی چه تأثیر خواهد بخشید و کدام عظم و وقری برای دولت خواهد بود و نمیدانیم اینهمه فرامین نیاشین و رتب در وزارت جلیله خارجه ثبت است یا نه ؟

(ثانیاً) پوشیده نیست که قطر مصر مشتمل بر ۱۳ مدیریه (ولایت) و ۶ حکومت بندری که آنها را (محافظه) نامند میباشد در هر يك از آنها از طرف جنرال قونسلگری دولت علیه ایران وکیل قونسلی معین میشود و تمین آنها نه بشان و استحقاق است بل بقیمت است که از ۲۰۰ الی ۱۰۰۰ لیره میباشد و منصفتران است که در مدت ماموریت وکیل قونسول را تبدیل نکنند والا چندین مرتبه میفروشد از جمله وقتی بیرق مبارک که شیر و خوشید در قصبه (کفر الزیات) بر میخانه و تاپارسال وکیل قونسول در قصبه (بها) شخص خورده فروشی بود حسن و قبح این خیانت معلوم است در نظر اولیای امور و اجانب چه نتیجه خواهد بخشید !

(ثالثاً) بر حضرت اجل عالی هویدا است که اجانب در ممالک عثمانی دارای امتیازات فوق العاده هستند و مصریان از خوف قرعه عسکریه و غیره مایل اخذ امتیازات اجنبیه در پی تحصیل پاسپورت دول اجنبیه هستند جز از قونسلگری دولت علیه ایران ابواب تمامی قونسولخانههای دول اجنبیه بر آنها بسته است بواسطه دلالهای معین از ۱۰ الی ۱۰۰ لیره پاسپورت دولت علیه ایران بفروش میرسد

و مردمان نادان ساده دل بحیثیت جنرال قونسلگری فریفته میشوند ولی باکمال اسف وقت لزوم و ابراز پاسپورت حکومت مصریه  
رفض و قونسلگری از اثبات تبعیت عاجز و فضیحت آن پوشیده نیست و هلم جراً

در میان مامورین سابق اشخاصیکه که بشخص دارای همت و هیمنه بوده باشند دیده شده است که باوجود هر گونه تعدی  
در باره ماها بواسطه حسن رفتار ظاهری و تایید درجه حفظ شئون دولت نموده که اتقدر بملت مظلومه تاثیر نه بخشیده .  
اما از ختام بدبختی ایرانیان در مصر در این چند سال اخیر یکی تمین جناب میرزا علی اصغر خان بقاء السلطنه است که گذشته بر سلطه  
دولتی نسبت بر اداری هم باحضرت اشرف پرنس ارفع الدوله سفیر کبیر دارد که بصرف نظر از شرح سابق حالات ایشان در گنج  
و بادکوبه ( ۱ ) و از میر که بچه کفایت و درایت و امانت و دیانت و غیرت رفتار نموده که اگر در وزارت جلیله خارجه دفتری بجهت  
ثبت شکاوی و امثال مامورین موجود است دریافت توان کرد ؟

در ماموریت چند ساله قطر مصری در نشان در تبه فروشی و تغییر و تبدیل قناسل در قطر مصری و تذکره فروشی بر عیای  
حکومت علیه و سوء اخلاق و قبیح اعمال و افعال که از هیچ سردهمداری سر نمیزند از ایشان سرزده و میزند گذشته از این جنرال  
قونسل و معتد سیاسی دولت علیه ایران فارسی که زبان رسمی دولت و فرانسه که زبان پلتیکی و عربی که لسان ملی مصری و ترکی  
عثمانی که زبان درباری است درند انستن جناب ایشان صاحب تالیفات ییشمار است چه خوب بودی جناب ایشان را قبل از تمین در دار  
الخلافه يك مجلس دیده و آن وقت ناموس دولت و عرض و مال رعیت را در نقطه چون مصر بدو سپردندی

جنرال قونسل و معتد سیاسی که از آداب معاشرت و رسوم خارجه بیخبر است نمیدانیم در مجالس رسمی چه تاثیر خواهد بخشید  
وکالت سیاسی و جنرال قونسلگری دولت علیه ایران در مصر همواره دارای ۵ یا ۶ مامور رسمی بوده فعلاً منحصر است بشخص  
بقاء السلطنه و محمد تائب نام که در جمیع خصائل پیشرو جنرال قونسل است امور رعایا که همواره در دادوستد و جنحه و جنایت  
مربوط و متعلق به ۱۸ قونسل دول اجنبیه و محاکم و مراکز حکومت علیه است از بی ماموری مدتی است معوق و معطل مانده  
و در هر يك ادارات بدون پرس و سئوال شرف دولت و حقوق ملت ضایع و پایمال است .

در این زمان اخیر بحسب نظاماتی که در وزارت جلیله خارجه معمول و نشر شده و بایستی ماها مستحضر شویم بیش از يك بند که آن  
چسباندن تمر دولتی بر پاسپورت است دیده نشده با این حال پاسپورتی که باتباع ایران غیر از ایرانی داده میشود خالی از تمر دولتی است  
و لذا کرافاتی که بر عیای دولتی ایران میدهند بر خلاف قیمت محده است درجه اول ۳۱ فرنک و درجه دوم ۲۳ فرنک و درجه  
سیم ۱۸ فرنک و بر خلاف سابق فقرا و عجزه و ابناء السبیل که باعانت ملت مسافر میشوند بحکم اجبار باید رجه تذکره را بدعند و هکذا  
رسوم تسدیق مهر و شهادت نامه و عرائض و اذن تزویج بسته برای ایشان و دارائی گیرنده است

در محاکمات تجارتي علاوه بر گرفتن ده يك از طرفین یعنی عارض و معروض رسومی نیز باسم رسم مجلس و هر مجلسی ۱۳۰ فرنک  
است از خود تراشیده و حتی الامکان بجهت جلب منفعت خویش دعاوی جزئی را بمجالس متعده میکند و هکذا از امور جزئی چند  
که شرحش ابواب ملال خاطر مبارک خواهد بود میکند ولی چونکه صدآمد نودم پیش ما است

این حال حیات است که بدین فلاکت و رذالت میکند اما در خصوص متروکات و مخلفات شمه نیز عرضه میدارد قبل از  
وفات متوفی در بعضی اشخاص بسه چهار روز پیش جاسوس و خفیه در اطراف خانه سرین می گمارد و يك دسته لاک بامهر  
قونسلخانه را به فراش می سپارد بمجرد پرواز روح متوفی تمامی اطافها و مخازن را مهر و لاک مینماید اگر متوفی را وصی قوی است پس

( ۱ ) جناب آقا محمد آقا وکیل التجار منتخب رشت و از اعضاء مجلس مقدس شورای ملی در بادکوبه تشریف داشته و از تمام

صفات حسنه جناب بقاء السلطنه باخبرند

از اتمام عزاداری اسامه يك و رسماً بناوین رسم مجلس واحضاریه و رسم تحریر محمد نائب منشی و انعام فرمایشیه سه بل متجاوز میگیرد  
و اگر فی الجمله تاخیری در ادای رسوم شود یا وارث ضعیف القوه و یا غائب باشد تمامی متروکات را تصرف و در حراج علنی بنصف  
یاریع قیمت فروخته می بلعد چنانکه در این چند ساله ماموریت بسی از این کارها کرده و اکنون بجهت ظهور عدل و مساوات بعضی  
عارضین حاضر تشکیات خویش را عرض نموده لغاً انفاذ حضور مبارک نمودیم

خواهند فرمود باینهمه ظلم که وحشیان افریقا تحمل نتوانند کرد چگونه بدولت علیه و وزارت جلیله خارجه و سفارت کبری  
عارض نشده اید معروض میداریم

من جرب الحرب حلت به الندامه چه بسا عرایض ما باهمان مهر و لاک خودمان از صدرات و وزارت و سفارت بخود معروض  
عنه برگشته گذشته بر سلطه دولتی بمناسبت برادری با حضرت اشرف پرنس ارفع الدوله از هیچ چیز پروائی نداشته در صدد انتقام برآمده  
و به هر گونه دغل بازی عارضین را بخاک سیاه نشانده چنانچه چند ماه قبل حاج میرزا علی اکبر اصفهانی که از مشاهیر تجار ایرانیان بود  
برحمت الهی پیوست و آن مرحوم در مدت ۳۸ سال اقامت مصر نامی نیک و اعتباری درست در میان خودی و بیگانه تحصیل و خدمات آن  
مرحوم را نسبت بملت انکار نمیتوان کرد از آن مرحوم چهار اولاد مخلف و بزرگتری آنها ۸ ساله است قریب یکسال قبل در کمال  
صحت و تندرستی برادرانی و امی خویش جناب حاج میرزا محمد جعفر تاجر اصفهانی را که تقریباً ۲۰ سال است بان مرحوم در یکخانه زیسته  
و در یک محله به تجارت مشغول بوده اند و وصی و وصایت نامه بشهادت جمعی از محترمین که در دفتر قونسلمخانه نیز ثبت است جناب بقاء  
السلطنه بنای اجحاف و تمدی را گذاشته جمعی از محترمین و ساطت کرده در جواب گفت ( حضرت اشرف پرنس ارفع الدوله مرحوم  
داشته اند شنیده ام حاج میرزا علی اکبر تاجر اصفهانی وفات کرده و مبلغ گزافی از او مخلف و ما را نیز از این نمد کلامی است) برادر  
و وصی آن مرحوم مقاومت و قبول این اجحاف و تمای را نکرده جناب بقاء السلطنه نیز رفض وصایت را کرده و شخص نصرانی انطون  
باغوص نام از حواشی خویش را فیم و مصنی بر تر که وصفا کرده و بواسطه افوکات ایراد املاک آن مرحوم که اسباب معاش این خانواده  
و تربیت صفار است حجز کرده و اعتبار ۳۸ ساله آن مرحوم و برادرش را بیاد فنا داد . باین اوزه مشروطیت و مجلس مقدس شورای ملی ملت  
ایرانی تاب این ظلم حجاجی را نکرده و دو عریضه تلگرافی بر رئیس مجلس مقدس شورای ملی و وزارت جلیله خارجه تشکی نمودیم متجاوز  
از ۲۰ روز است جوانی مرحمت نشده و این ظالم غدار را سآیا بواسطه برادر خویش جناب اشرف پرنس ارفع الدوله خبر دار و در  
صدد انتقام از داد خواهان برآمده . و جناب دکتر میرزا مهدیخان زعیب لدوله رئیس الحکما مدیر جریده حکمت که متجاوز از ۴۰ سال  
با کمال احترام در اینجا زیسته و دارای چندین نشان از دولت علیه ایران و دولت عثمانی و غیره است و معروف در بار ایران و عموم ایرانیان است  
محمد نائب منشی قونسلمخانه و دو فرانش با چند نفر سرباز و یک صاحب منصب هفته قبل بخانه اش ریخته و آن پیره مرد محترم را با هر حالی که بوده  
بیرون کشانده و اهل خانه اش را بیرون کرده خانه اش را مهر موم کردند و همچنین حاج محمد صادق تاجر یزدی که ۲۷ است در این  
مملکت زحمت کشیده و ابروی تحصیل کرده قریب ظهر در ممال بازار بهمان صورت گرفتار و هر دورا در قلعه محبس قاتلان و دزدان  
سپردند پس از شیوع این خبر جمعی از تجار و محترمین ایرانی برای استعلام و توسط به قونسلمخانه رفته این بیروت آنها را راه نداده پس  
از عجز و لابه یک نفر اذن دخول یافته استدعای رهائی مظلومین را خواست ان بی انصاف بیچاره از لابه این جمع محترم شرم نیامده  
در جواب گفت ( اگر از این درسخنی برانید بانهون از حکومت محلیه سرباز خواسته تمامی را به زندان می سپارم بیچارها با کمال یاس  
برگشته و تلگرافاً تشکی بحضرت ملجاء الانام حجة الاسلام آقای آقا سید عبدالله ادام الله ظلله العالی و دیگر بر رئیس مجلس مقدس ملی  
و وزارت جلیله خارجه نمودیم جوانی نرسیده سپس معلوم شد نئی این دو مظلوم را از وزارت خارجه مصریه خواسته و خیال دارد تحت  
الحفظ و القید باسلامبول که بر حضرت اجل عالی اشکار است چه خواهد شد بفرستد و نیز در صدد گرفتاری چند نفر محترم دیگر  
از امضا کنندگان تلگراف تشکی است با این تمندی ضحاک و حجاجی و خوف ناموس و مال و جان و یاس از جواب تلفرافات معروضه

مجبوراً بوکالة سياسيه وجنرال قونسولگري دولت انگليس ملتجی شديم جناب اجل سرالدين گورست جنرال قونسول مندوبين  
ايرانيان را خواسته و کيفيت را جويابويس از تحقيقات کامله مازا مظلوم دیده ووزير خارجيه حکومت مصري را خواسته بعد از مداوله  
مقرر داشتند مساعدت و سلطه حکومت محلي را از بقاء السلطنه باز دارند و خواهش او را در گرفتاری ايرانيان مجري ندارند و محبوسين را  
بهر قسم است نجات دهند روز دوم در وزارت خارجه مجلسي بریاست وزير خارجه و حضور جناب مستنصر السلطنه جنرال قونسول  
سابق در مصر منعقد و آن دو مظلوم با بقاء السلطنه نیز حاضر و تحقيقات مفصله را مختصراً عرضه میدارد

زعيم الدوله جناب وزير خارجه ايا بقاء السلطنه مرا کتباً يا بواسطه فراش احضار نمود ؟ بقاء السلطنه اوشان را احضار نکرده ام  
زعيم الدوله قانون تمام قنائل و مامورين سابق ايران براین است اولاً متهماً را بواسطه احضار به يافراش میطلبند و اگر عصيان  
ورزید از حکومت محليه بقدر لزوم پوليس خواسته و متهماً را بقونسول خانه میکشند بقاء السلطنه سکوت  
زعيم الدوله بر جناب وزير خارجه هویدا است تمامی قنائل متهماً در زمان تحقیق در قونسول خانه يادار الحکومه نگاه داشته  
و پس از حکم نهائی بمجلس میفرستند ايا بقاء السلطنه جرم صراحت تحقیق نمود

بقاء السلطنه هيمنقدر کاغذ تهديد قتل بدون امضار سيده و مرا بدین دو نفر گمان رفت

زعيم الدوله ايارواست در این مملکت متمدنه قانونی بمجرد رسیدن کاغذ تهديد مجهولی که یکی از حواشي بقاء السلطنه با اطلاع  
خودش نوشته مارا بدون هيچ تحقیقی گرفتار و بمجلس دزدان و قاتلان سپرده چاهي و سيگار و کتابت و مخايره و مقابله دوستان و اکل  
و شرب از خارج را بر ما منع و برئيس مجلس رسماً بنويسد در اطلاق مظلومی مارا حبس و جزاز غذای دزدان و قاتلان چیزی بر ما روا ندارند  
جناب وزير خارجه کمان میکرد عارضين بموجب قانون آهام در دار الحکومه توقيف شده اند پس از اطلاع از حبس قلعه  
نهایت متاثر و متاسف و اظهار دلجوئی از مظلومين نموده خواستکار صلح شد

زعيم الدوله عرض کرد شرف و ناموس ما و سایر ايرانيان رفته تا اینکه احقاق حق نشود دست بردار نیستيم

جناب وزير خارجه فرمودند شرف و ناموس شما و ايرانيان نزد ما محفوظ است و حقوق خود را از دولت متبوعه خویش می  
نویسند خواست و انساب رفع این غائله است زعيم الدوله و حاج محمد صادق بتوسط جناب وزير خارجه بقاء السلطنه مصافحه نمودند  
نمیدانم با این وقایع معروضه حکومت مصري و اهالی و مهاجرين اروپا چگونه مارا خواهند شناخت و با ما چه معامله خواهند کرد  
پس از این افتضاح سه روز فراش قونسول خانه اعلانی مشتعل بر احضار ايرانيان در روز ۲۱ رمضان قبل از ظهر بقونسول  
خانه بهر کس نموده ايرانيان جمع و پس از مداوله بمناسبت روز ۲۱ که قتل حضرت مولای متقيان است مقرر داشتند يك نهر مندوب  
رفته بگویند اولاً روز قتل ماشيعيان به هيچ کاری مشغول نمی شويم و عزاداريم تا نیا اعلان اخبار مات باید سبب حضور نوشته  
ومات قبل از وقت بدانند بچه جهه باید حاضر بشوند مندوب بر میعاد محدود رفته ابلاغ رسالت کرد در جواب گفت تلگرافي از  
حضرت اشرف پرنس رسیده که هما قريب تشریف فرمائي مصر شده و شما هارا تنبه خواهد نمود

این است مختصری از مفصل با این حال استدعا از حضرت اجل عالی داریم

اولاً - تحقيقات لازمه را بجای آورده خاتمين دولت و ملت را سزا داره احقاق حقوق دعا کویان را نمایند

ثانیاً - رفع شر بقاء السلطنه که بد نام کننده دولت و ملت است فرماید

ثالثاً - مامور بیغرض دانائی که شرف دولت و حقوق ملت را محفوظ دارد با قانونی موافق مقرر فرمائید تا اینکه من بمدره

در میان اجانب سر افراز و اسوده بدعای دوام دولت مشغول باشیم

رابعاً - نظامات وزارت خارجه را برای دستور العمل اداره جنرال قونسولگري با قوانین و لوائح مقررده و مصدقه از دار الشوري

برای محاکمات عموماً فرستاده که رعایا تکالیف خود را دانسته و از آن قرار رفتار نمایند الباقی امرکم العالی مطاع

از انجا که بموم ناس آزادی بیان و بیان مرحمت کشته و در روزنامه ها طبع شده است خدمت ارباب دانش و  
انجمن پیش عرض تصدیق میدهد که چون پناهنده شدن این بنده سفارت سنه روسیه با قدم مختلفه مذکور  
خواهد کشت خود در مقام توضیح بر آمده صورت واقعه را بطبع میرساند که برای کسی شبهه باقی نماند و آن این است  
که قضایای واقعه بین این بنده و مرحوم مبرور فیروز میرزای فرمان فرما طاب راء و حضرت والا فرمان فرمای حی  
و متجاوز از یکسال مرافعه کردن در محضر خلد آستان حاجی میرزا حسن آشتیانی اعلی الله مقامه هكذا و قایمی که  
در حین مرافعه و بعد از مرافعه دست داده کوشش در طرف و عای شد چیزی نیست که بر کسی مخفی و مکتوم باشد بعد از  
فوت مرحوم مبرور حضرت والا فرمان فرمای حی طول مرافعه و تشاجر را مقتضی بدانسته از باب صلح داخل شدند  
و بعقد ایشان اختلافاتی که بود باصلاح انجا مید بنده نیز بحکم اینکه فرموده اند ( جمع شون کرد با هم انتقام و سروری )  
( کینه در خاطر نگردد هر که خواهد مهتری ) کجا کردم که تمام کینه ها از خاطر ایشان خارج کشته و هیچ وقت در صدد  
تلافی و کبفر نخواهند بود باین ملاحظه ایشان را مهتر و مهتر بعضی مردم تصور کرده سالها مداح و خدمتگذار بودم  
که آنچه نظماً و تشریحاً در مدح ایشان عرض کرده ام بر خودشان پوشیده نیست و همواره اعتقاد این بود که هر وقت  
مصدر امری شوند امری از امور این بنده بایشان راجع شود با کمال بیغرضی اهتمامات واقعه عادلانه مرعی خواهند  
داشت همین که وزارت عدلیه بایشان مفوض کشت و از طرف دولت و ملت نهایت تقویت و مساعدت بعمل آمد  
قطع کردم که در احقاق کفایه حقوق این بنده سعی بلیغ و جهد وافی مینماید خواهند داشت نافع از اینکه بهیچوجه  
قضایای سابقه از متخذه ایشان خارج نکشته و همواره منتظر وقت بوده اند مصداق این مقال و تفصیل این اجمال  
آنکه بعد از تقویض و زرات عدلیه بایشان در هر قضیه کتباً و شفهاً نظمی کردم بحجوب مانده بمسئله برگذار شد  
و هر کس از این بنده نظلم کرد دست آویز بمرحمتی قرار داده هم روزی بارتیسانی که بکلی از زوال محاکمه خارج بود  
در مقام توهین و بی لطفی بر آمدند حتی باره از مقروضین شرکت عمومی را که محض منطله و فرار از دین مدعی حق  
و مظلومیت واقع شده اند تعلیمات داده باستان معدلت بنیان سلطنت فرستادند علی ما نقل محاسبه شرکت عمومی که  
شرحش جدا گانه بطبع رسیده است بایشان راجع شد چون اصل مقصود دست آویز تلافی و کبفر بود بدون اینکه  
کتباً یا بیافا در این خصوص اظهاری شود صبح روز جمعه ۲۳ جمادی الاولی اول طلوع آفتاب در حالتی که  
در عمارت امام زاده قاسم خوابیده بودم صدای مهمه و از دحام بگو شم رسید چشم گشودم دیدم منتظم دربار بامتجاوز  
از شخصت نفر فراش و قزاق و سادات که تازم در دیوانخانه معمول شده است تماماً شاکی السلاح و باجر به های مختلفه  
اطراف این بند مرا احاطه کرده از سبب بر بسیده تصورات بسیده نمودم منتظم دربار اظهار داشت که محاکمه و محاسبه شما از طرف  
قرین الشرف همیبونی بدیوانخانه راجع کشته و شمارا بشهر خواسته اند حسب الامر قدر قدر ملوکانه نیز مجدداً تمام  
علاقه شما توقیف شد انجمن باید توقیف شود چنانچه بعد از محاسبه حتی بر شما وارد نیامد آن وقت علاقه شما را از  
توقیف خارج خواهند ساخت کفتم این ترتیب حکم قصاص قبل از جایت را دارد تصدیق کرد لکن تکلیفی نداشت  
و کشف بعمل آمد که حضرت والا نیمه شب حضرات را از شهر خارج ساخته و در استخفاف این بنده دستور العملها داده  
اند بالجمله نظر باینکه اصرار در گفتگو جز مفیده ثمری نداشت برای آمدن شهر آماده کستم و چون خیلی عجله داشتند  
قبل از اینکه دورشکه و کالسه حاضر شود با اسب سواری که در باغ حاضر ساخته بودند سوار شده با آن از دحام  
که جوی سواره و بعضی پیاده بودند عازم شهر شدم در بین راه نیز بالسنه مختلفه تهدیدات میشد که چنین و چنان  
دستخط شده است هر قدر فکر کردم دیدم هیچ منصف عاقلی و هیچ حاکم عادلی تصدیق نخواهد داشت که  
بعد از چهارپشت خدمت چون من چاکری را روز روشن با این هبنت وارد دار الخلافه کنند هر قدر هم  
در دریای تفکر غوطه ور کستم جز رضای بتقدیر تدبیری از خاطر من نکذشت تقصیری هم غیر از ساختن  
راه آستارا بخود کجا نبردم همین که خیابان سفارت سنه روسیه از دور نمایان شد بملاحظه اتحاد  
دولتین علیتین و هم محض اینکه روانداستم این ترتیب خارج از عدالت را که مبتنی بر انواع اغراض است  
بدستخط انجمن فقط ملوکانه منسوب سازند مضمون صدق مقرون الفرار بمالایطاق من سنن المرسلین از خاطر من گذشته  
بیاد آوردم که فرموده اند لبس الفرار الیوم عاراً علی الفقی اذا عرفت منه الشجاعة بالامس این بود که بر اهتنامی پیشرو

تصویر ۱۷۸۱

خود بی حسن تدبیر سفارت سنبه روسیه را بر هر مقام و مقری و هر مناص و مقری شرح بیخ داده بطوری که مقتضی بود داخل خیابان و عازم سفارت سنبه شدم حضرات مأمورین نیز کباً و راجلاً تماقب نموده و چون کمیت هم نشان نیک بود و تیرتدیرشان برسنگ مشغول تیراندازی گشته قریب ده تبر بل متجاوز شش لول انداختند که یک کلوله با حضور جمعی در بالاخانه تاجر باشی روس بر زمین افتاد بالجمله چون از قلم تقدیر جاری سنبه بود که این ظلم فاحش معلوم گشته مکتوم نماید در ضمن سلامت وارد سفارت گشته تاختم تا مقابل منزل جناب یاطبوشقوف صاحب نایب و مترجم اول که شخص لایق کافی و از محترمین اجزای سفارت سنبه است مهمنا دوتفر از مأمورین که نوکر شخصی حضرت والا فرمان فرما هستند یکی سواره یکی پیاده باقی برهنه وارد سفارت شدند و آنکه سواره بود عنان اختیبارش از دست خارج گشته داخل ایوان شد و در آنجا پیاده شده حرکتی بر روز دنده که بملاحظه حشمت سفارت سنبه شرحش را از وظیفه خود خارج میدانم این بود که اجزای سفارت اتفاق کرده باز حجت زیاد قه مردورا کرفتند و نیز کاشف بممل آمد که دوتفر کاشته سنبه را که یکی از آن دوتفر سپید محترمی است در سفارت گرفته بعد از گفتن زیاد و شکافتن پیشانی سپید مردورا بدر شک انداخته با دور اسب این سنبه و مقداری اسباب طهران برده اسب و اسباب را ضبط و آن دوتفر را حبس کرده اند بمیدانم در بوم يقوم الحساب اینگونه محاکمه و حساب را چه نام خواهند نهاد فی الحقیقه باید شکر کرد که ظلم و استبداد موقوف گشته و این همه تعدی و خسارت و منسده و شرارت و توقیف علاقه سنبه ادعای موهوم و حصول مقاصد مأمورین عادل فطرت نماز روی قانون بوده است دور نیست حضرت والا فرمایند المأمور معذور جواب این است اولاً تصدیق نمیتوان داشت از طرف قرین الشرف همیونی اروا خافده بر خلاف عدل و انصاف امری صادر گردد ثانیاً وظایف مأمورین باختلاف شغل و منصب فرق میکنند مثلاً هر گاه بمهده فرمایشی که مظهر غضب سلطان است امری صادر شود اعم از اینکه مقرون بمدل و انصاف باشد یا از روی جور و اعتساف جز اجرای امر تکلیفی ندارد لیکن اگر بمهده وزیر مالیه دستخطی صادر گشت که بحساب حاکم فارس رسیدگی نموده دو بیست هزار تومان باقی دارش کنیند باید از روی کمال دولتخواهی برض برساند که تکلیف من رسیدگی بحق است پس اگر حاکم فارس باقی داشته باشد یا فاضل حقیقت امر را باید مروض دارم هکذا بمهده وزیر عدلیه امری صادر شود که بدون رسیدگی و تحقیق فلان شخص را بگیرد و چنین و چنان کنیند حش آن است که عرض کند من مظهر عدالت دولت و ملت واقع شده ام نمیتوانم بخلاف عدل و انصاف رفتار کنم حالا اگر حضرت فرمائید از روی نسخه فرانس بانی و حاجب الدوله مأموریت داشته اند البته ایرادی وارد نیست و هر گاه مدعی عدالت باشند با هیچ عذری و هیچ احتمالی نمیتوان این ترتیب را تصویب کرد که بدون مقدمه بتلافی و کبفر قضایای سابقه یا محض جلب قلب فلان و پیمان یا جهات دیگر که تکلیف مقتضی تصریح نیست این سلوک را مسلوک دارند بدیهی است اجزای شخص ایشان با برخی از اعضای وزارت عدلیه بعد از ملاحظه این ورقه از روی نصب یال خواهند کشید و یال خواهند گشود که آذن دهید ما نیز در جواب چنین و چنان بنویسیم یا فلان شرح و تفصیل بدون امضای نامه ترتیب دهیم اما از قدیم گفته اند که هر وقت برای صحت يك قلم غلط هزار دلیل اقامه کنند هزار و يك غلط خواهد شد خلاصه مقصود اینست که چون سنبه را از روی اضطرار باین نقطه رساننده کرده ملتجی ساخته اند با کمال افتخار مستکف و متوقف هستیم و حاصل مستدعیاتم هم این است که در کافه ابواب نه مظلوم واقع شوم و نه ظالم و محض اینست که حضرت اشرف والا فرمائید از روی تفر و تعصب بر ضرر این سنبه احکام صادر فرمایند خدمت علمای اعلام و شامزادگان عظام و وزرای فخام و وکلای بیغرض مجلس مقدس شورای ملی غرضه میدارم که بنص اخبار و تصریح علمای امامیه کثرانته امتالم حکم حاکم با غرض قضائی بر محکوم علیه نافذ نیست در این صورت دور نیست احکام حضرت والا هم نظر بقضایای سابقه و اقدامات لاحقیه همچو قوت در باره این سنبه متبع و تا فذنبوده باشد پس هر گاه از روی بی مراحی حکمی و سندی بدست کسی داده باشند یا بدهند همین ورقه اعلان جواب مشروع برهائی خواهد بود ﴿ خانه زاد دولت جاوید آیت کاطم ملک التجار ﴾

( شهر جمادی الاخره سنه ۱۳۲۵ )



خاطر خطیر آقایان حجج الاسلام و بزرگان ذی امانت برکاتهم را باین نکته مهمه جلب و متوجه می نماید که در ابتدای سال لوی بیل هزار و سیصد و بیست و دو ۱۳۲۲ قرار دادی فیابین حاجی محمد کاظم تبریزی تبعه دولت علیه ایران و اولیای دولت منعقد شده است که در فصل اول آن شرایطی ذکر شده و ابدأ بدان شرایط که ارکان قرار نامه بوده از طرف جناب حاجی محمد کاظم رفتار شده است چنانچه ذیلا عرض می شود

فصل اول قرار نامه که ابدأ مرعات نشده

فصل اول از ابتدای سال لوی بیل هزار و سیصد و بیست و دو ۱۳۲۲ الی ده سال شمسی امتیاز خرید روده کوسفند و بز در تمام ولایات ممالک محروسه ایران بحاجی محمد کاظم مرحمت می شود که روده را از قصاب بارضایت قصاب خریداری کرده قیمت او را قصاب خود حاجی محمد کاظم باید بدهد در مقابل این امتیاز ده ساله یکصد و هفتاد هزار تومان حاجی محمد کاظم مقبل شده که بدوات بدهد که سالی یازده هزار و هفتصد تومان می شود ولی سال اول و دوم و سیم و چهارم اقساط کتر است از سال پنجم بپس این کسر اضافه شده

و جناب حاجی محمد کاظم در عوض اجرای فصل اول قرار نامه خودش بالعکس در تمام ولایات ایران بکممک و همراهی رشوه خواران مملکت روده را از قصاب ها گرفته از قرار هزار و ده تومان الی هزار و بیست تومان بتفاوت زمان و استعداد محل پول داده و امروزه روده را در طهران هزار و یکصد تومان الی یکصد و ده تومان می خرند و پول پیشکی می دهند چنانچه بدقت ملاحظه فرمائید جناب حاجی محمد کاظم صدی یازده از اصل قیمت بیشتر بقصاب نداده و صدی هشتاد و پنج او تفریط شده است بموجب فصل اول آن قرار نامه حاجی محمد کاظم مشمول است

قریب سه سال است این بنده ناچیز زحمت این کار را متحمل شده تا اینکه دولت و ملت را از این خسارتی که از غفلت اولیای دولت سابق وارد شده بود مستخلص کرده چنانچه ممکن باشد این ده ماده قانون بعد از جرح و تعدیلی که در آن خواهد شد اجرا بشود می توانم بمعموم آقایانی که حفظ بیضه اسلام و بقای ایران را می خواهند اطمینان بدهم که در سال اول و دوم سالی دویست هزار تومان بدوات عاید خواهد شد و از سال سیم الی سال دهم تدریجاً این عایدی اضافه می شود که سالانه بیک کروور بالغ خواهد شد

و نیز مخفی نماید که این خانواده بزرگ که اسم او مملکت است کسانی که در او زندگی میکنند علی قدر مراتبهم باید کمکی به مخارج مملکتی بکنند که بتوان مملکت را نگاه داشت عجاله جماعت قصاب که یکی از اصناف مملکت هستند مالیاتی ندارند و چون در این مملکت زندگی می نمایند لازم است که کمکی هم باین مخارج مشترك بنمایند تا بدیکرانی که پول می دهند و خرج آنها میشود ظلم نشده باشد

خادم ملت وکیل الرطابا

خاطر محترم آقایان عظام و بزرگان گرام را از وجوه ملت متوجه می نماید باحتیاجات امروزه مملکت و حکم و جوب کمک مالی از رؤسای اسلام بدولت حاضره و این دماده قانون که راجع است باز دیاد مالیه پیشنهاد می نماید

ماده اول در تمام مملکت محروسه ایران روده کوسفند و بزرا مأمورین دولت که برای این کار تعیین شده اند حق دارند جمع آوری نموده روده ساق بی عیب را هر یکی در پست دینار قیمت آنرا بصاحبان آنها بپردازند

ماده دوم دولت حق ندارد روده بز و کوسفند را بیش از یکسال بیش فروش کند

ماده سوم مأمورینکه از طرف دولت برای ضبط و فروش این روده مأمور می شوند حقوقی که دولت برای آنها قبول میکنند نصف را ماه بپاه خواهد داد نصف دیگر را الی سه سال دو خزانه ضبط خواهد نمود

ماده چهارم چنانچه یکی از مأمورین در تمام سه سال تدریجاً خیانت نمود و بمبلغ پنجتومان خیانت آن ثابت شد دولت نصف حقوق او را که در خزانه است ضبط خواهد کرد و نیز ابدی از استخدام دولت محروم خواهد ماند

ماده پنجم دولت اسم و شغل مأمورین خاین را با معرفی تمام در روز نامه رسمی اعلان خواهد نمود بضمیمه محروم شدن ابدی از استخدام دولتی

ماده ششم مأمورینکه سه سال نصف حقوق آنها در خزانه دولت توقیف است از ابتدای سال چهارم حق دارند تمام حقوق خود شان را ماه بپاه دریافت نمایند

ماده هفتم مأمورینکه ده سال از روی راستی و درستی در این اداره خدمت خود را انجام داده اند در سال دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم نصف حقوقیکه بعنوان وجه ضمانت در خزانه دولت در سه سال اول توقیف شده بود حق دارند الی سه سال مذکور تدریجاً دریافت کنند

ماده هشتم مأمورینکه چهارده سال در کمال امانت و درستی در این اداره امتحان داده اند دولت متعهد است در سال یازدهم یک ثلث بر حقوق آنها بیفزاید

ماده نهم مأمورین این اداره باید بقدر احتیاج زه تاب ها در تمام مملکت روده ساق بی عیب همان قیمتی که به بیجار بفروشد به زه تاب ها بدهند

ماده دهم این ماده قانون از تاریخی که بصحة هیاتی موشح شد در تمام مملکت بفاصله سی و یک روز حکام مسئول اجرای آن خواهند بود

# Handelsratgeber für Persien

## فناصح تجارت ایران و آلمان



Im Selbstverlag herausgegeben

von

Walther Kuß, Teheran

1911

Preis 10 Mark

قیمت ۳ تومان

Es druckten: Rosenthal & Co., Berlin, Teil I; Imprimerie „TÉHÉRAN“ in Teheran, Teil II und V; Type-  
Lithogr. „PHAROS“, Teheran, Teil III; Imprimerie „ORIENTALE“, Teheran, Teil IV.  
Einband und Ausstattung besorgte die Buchdruckerei von C. ELSNER, Berlin.

فناصح تجارت ایران و آلمان

این کتاب در پنج مجلد چاپ شده است و آنها از این قرارند: قسمت ۱ مطالعه «زودن تال و کمیابی» در برلین - قسمت ۲ و ۳ مطالعه «طهران» در طهران - قسمت ۳ مطالعه «فاروس» در طهران - قسمت ۴ مطالعه «شرق» در طهران. جلد و تصویبها در مجلعه «اتوالسیر» در برلین درست شده است.  
مدت از فروش این کتاب در آلمان و ناس فرانک است در برلین

KOMMISSIONSWEISER VERTRIEB FÜR DEUTSCHLAND UND ÖSTERREICH  
FINANZVERLAG G. m. b. H., BERLIN C. 2.

مجموعه این کتاب در دسترس است به قیمت ۱۰ تومان

این مجلد در دسترس است به قیمت ۳ تومان  
 صفحه ۱ تا ۱۰۰ در دسترس است به قیمت ۱۰ تومان  
 صفحه ۱۰۱ تا ۲۰۰ در دسترس است به قیمت ۱۰ تومان  
 صفحه ۲۰۱ تا ۳۰۰ در دسترس است به قیمت ۱۰ تومان  
 صفحه ۳۰۱ تا ۴۰۰ در دسترس است به قیمت ۱۰ تومان  
 صفحه ۴۰۱ تا ۵۰۰ در دسترس است به قیمت ۱۰ تومان  
 صفحه ۵۰۱ تا ۶۰۰ در دسترس است به قیمت ۱۰ تومان  
 صفحه ۶۰۱ تا ۷۰۰ در دسترس است به قیمت ۱۰ تومان  
 صفحه ۷۰۱ تا ۸۰۰ در دسترس است به قیمت ۱۰ تومان  
 صفحه ۸۰۱ تا ۹۰۰ در دسترس است به قیمت ۱۰ تومان  
 صفحه ۹۰۱ تا ۱۰۰۰ در دسترس است به قیمت ۱۰ تومان

## عید غدیر و رضا تکبیر ای اسلا مبول

۱۳۲۳

در این عید بواسطه عزا داری شاهنشاهی در موم نظیر اولین شاهان را اندر باران مثل اعیان و سالاد در سفارت کبرای ایران از بجهت پیروی رسی کل بنیاد خطا از طرف حضرت اشرف میگردید به اطلاع داده شد که برای عرض مراسم تبریک این عید در ساعت سه بیروب مانده در سفارت آنها را بطریق رسمی قبول خواهند نمود و در ساعت زیروبضرا بخار و بهترین سعادت دست داده مراسم تبریک را عمل آوردند سابقا در وقت تلاطم همیشه وقت سابق است هر موم نظمی حضرت اشرف میگردید برادر فرموده بود که با وقت نوبت شد که مجموع آن سبقی ای را بیان میگویند بهیچانست بود که وقت کرده بیا که در هدایات و زلفت بی ایمان است بنشینا هر چه میگوید از در دست کرده در سفارت گذاشته که نام او که در سفارت او جا دید باید رو عید غدیر هم اگر تمام حسین بخار و بعد ما هم موجود و مجلس هم بریتیت داشت ولی از چندین نفر از مشیرین آنها حضور داشت حضرت میگردید پس از مراسم تبریک مطالبی را بیان فرمودند

آقایان - چنانچه میدانید در روز یکدیگر با هزاران تاتف و مروت سابقا

بنشینا اعلام کردیم در حالیکه بر حضور داشتید که هم در عرض آنها زلفت و مروت شاهان که این شاهنشاهی زلف و باران موم را میای خود در مدت سلطنت سید اول موم داشت خوب است که شاهان هم خوشی و آرزو پرستی و قدر دانی خود را که همواره سرب لعل بوده در این مورد نیز بفرستند و برسانند و برای اینکه نام سید اول دنیا جاوید مانده الطلاف او را همیشه شما و اسلاف شما در نظر داشته باشید بهترین کار با این است که بخت نموده بودید اسرار عمومی ما را کاری درست کرده و در این بخت بگذاریم در آنوقت چون کسی غرق غمخوارانده بودیم و تکلیف خرا داری ما را بریتیت دیگر بود که اسم که این خیال خود دنبال کنیم ولی حالاموقع آن رسید که آنها را از توفیق بعضی یا دریم و بعد احوالی اثر العبدی که میگردیم که بزودی بجوابت خداوند درست بشود چون سبب ما هم که بنشینا با جان دولت در راه ما در ساری پیروی میباشید

مذاشتند و بگردانند اقدامات حاضر مداین است که در مجموع باید شعور کل بشود که در اندک مدتی با خیال عالی موفق آئید که با مومطان عزیز موم در سرتی با درتیب آن این است که بیانی مرکب آنچه نظر اعضا، با این خود متعجب نموده که تبتسکیم به بیحد که جمع او در یکی استراک و اعلان و سایر بیانات بعد از آن است و بی خود موم هم برای ایشان یا نصیحت و آنک سید موم سایرین که سبب تفسیر و تسلی خود

به هر که مبلغ کافی برای ایجاد سبب شود در همان مجلس رضا را شخصاً مقصد و بجز  
بعضوتیت کینه تعیین شدند

عمده الامر العظام سوزید الوارده میرزا را تونو کوری جناب حاجی احمد آقا جبر طبرانی  
جناب حاجی بابا آقا کتخه جناب حاجی علی آقا کتخه جناب حاجی زین العابدین آقا کتخه  
جناب حاجی میرزا علی آقا کتخه جناب حاجی میرزا علی آقا کتخه جناب حاجی غیاث آقا کتخه  
جناب آقا میرزا حسن آقا کتخه جناب آقا میرزا آقا کتخه جناب آقا میرزا علی آقا کتخه  
و قرار شد که اینها با سبب شرکت می کنند فقط از بعد دولت علیه ایران  
یعنی سلاسل رسول و سایر ملا عثمانی باشند و بواسطه در مخصوص اینها متوسط  
مامورین دولت علیه اعلان شود که هر کس هر درسیل وارد و حصول این نیت قدرش  
بذل کند در باز در آن سبب قلی در سخارت بود و بعد مبلغ کثیر را در آن سبب  
پول همان خصایر در وقت مخصوص مصداق کرده و در وقت میرزا را در آن سبب که ظاهر بود  
فرستاد که آنها نیز هر چه میسر آمدند مصداق کرده و در آن بعد از تمام این رضا بان معذرت  
و حاجی میرزا علی آقا کتخه و حاجی میرزا علی آقا کتخه از طرف عموم تبعه حضرت  
اشرف میسر کرد که گفتند که حقیقتاً نیت شرکت از خود را حضرت اشرف  
چگونه بیان نام کرد و هر موقع کمال اوفت و محرابی را در باز بعد داشته و این نعم

یکی از بزرگترین مرتبه است که در آن وقت حرکت این جنبشها پیش برتی شده و شخصاً حرکت  
اجرائی این خیال عمده را بعهده گرفته و در پیروی خیالات و اجرائی معاصده عالی حضرت

با جان دل حاضریم خصوصاً در این وقت که این قصد عالی را هیچ پادشاه و دولتمند  
بوده و این بان نیز شرکت آنها را است که گفتند که چه چند باقی طرف صلح جوان عالم  
دوسته از آن حضرت اشرف عالی با کوری درست شده است در آن کمال کمال  
شرکت و ایتم ولی چون سائن آن با و کار بسیاری برای خارج و سایر مالک ایران  
و غیره هم شرکت داشته و اصل مقصد از آن شرکت خدائی بود که بعالم انسانیت فرود  
اید این است که حال آنکه خود آن سنانی بدون شرکت عیالی خارجند کار را  
و مهربانی با خود را در جهت خود آن در باره ما سبب دل و استیجاب کوری است که دست کرده  
که با کار با سببها هم در وقت خود را در آن سبب داشت این کار را هم در پی آن قرار می  
قدر دانی با بوده و بد که همیشه هر کس اطلاع و جنبشهای سماست هم در پیوسته شویم که ما با سبب  
نمیکنیم و از طرف عموم هموطنان محترم شرکت خود را بصدیم از آن سبب که در آن سبب  
همایون و نسبت متذکران را و احاطه با عمده طویل که راست فرماید اما در سایر اینها و هموار بود  
مامورین روسای زروف مهران حضرت اشرف شرکت خود را بصدیم  
روان سبب ۲۴ شهر خجسته در سخارت کبری از آقائی که در مجلس اول حضور بد است

طلالارهای سخاوت کبری نصب کننده در این بین سه نفر از بهترین اهلان در استند  
 که نباید خدمات پشما سفیر کبریا که آجال کلیت بملکت ایران و مخصوصا اتباع دولت  
 علیه معتمنین اسلامبول می کنند فراموش کرد این بیانات را یکی گسیب و  
 تصدیق کرده با کمال قرائل قرار داد و کار ساز پرشسیر رضا خان درست کرده  
 در پای یادگار پادشاه منصور نصب نماید بجهت نیل این امر از طرف خصماریش از

کیزار و انصاف و انک فی المجلس داده شد  
 بموجب اطلاعات صحیح که بدست آورده ایم پیش از آنکه ترش و بظن از این  
 پول میرسد و علاوه بر ایرانیان معتمنین اسلامبول کلیه اتباع دولت علیه معتمنین ما  
 عمانی نیز در اینجا شرکت خواهند کرد و محقق است که با اینوجه یادگار بزرگی در  
 خواهد شد و محتمل است که با انبیا کلمه مخصوصی نیز در غمخساری کبری ساخته و این یادگار

در آنجا بگذارند

خیال نصب یادگار در کلمه مخصوصی خالی از آنکه نیست در آنچه شاعران سرورین  
 از آن است تمام میشود واضح است در جاییکه پرشسیر رضا خان در عالم اوقات  
 معروف تمام دنیا است حضور داشته باشند یا بظن این قسم نگارنده

شده و هر کس در سیاه پیلغنی نوشت  
 اسامی تمام اشتراک کنندگان توسط روزنامه های قری بر روز نشر خواهد شد و در همان مجلس  
 شد که من بعد در مورد یادگار اسامی آقایان معتمنین تجار و شیشه شیشه مخصوص وضع معتمنین  
 موجوده و سهولت اسامی بدم بدون ملاحظه تمام و حاضر بر ترتیب الف و با نوشتن شده شود

ترجمه از روزنامه (لاترکی) و مشورا و زینتال مخور ۱۴ فوریه ۱۹۰۷

متر ۳۹ و ۲۰۲ و ۴۷

عرض احترام مطهره آیدین شاه منصور

دیرنیش میرزا رضا خان

معتبرین ایرانیان معتمنین اسلامبول چند روز قبل در سخاوت کبری در تحت است  
 جناب شرف پرشسیر الفخالد میرزا رضا خان در آن مجلسی منعقد کرده بود معصود  
 این بود که به بهترین وسیله از پادشاه میرور که با اتحاف ملقب (مظفر الدین عالی)  
 شده و یادگاری در اسلامبول بگذارند

رای عمومی پرین علاءت گرفت که یادگار شاهنشاه مرحوم را درست کرده در یکی از







## بخش هشتم

گزارشهای سیاسی و اوراق شخصی

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

ملفوظات

مسیو سرعرام وارگل ایران

بعنوان درویش

راجع بذاسبات دولت ایران

بادولتین روس و ایران

۲۱ اکتبر ۱۹۱۱ - ۲۱ اکتبر ۱۹۲۹

در سال ایران لازم بدانند بهر آوردن

پس از اطلاع زیاده داشت ادلی سعادت انجمن دولت ایران عفا به ذریع برادر شاد است

دعای دوازدهم :

بکمال توقیر من غیر رسم در خصوص شهبان میرزا علی باجر خودم این شرح را بکارم . با کمال تعجب  
 امشب شنیدم که دولت شایک به دوستی بنی بر ترض و تهنه به عید پشیمان برای اسنادم مازر اسکندر از ازماری  
 بوزیر امور خارجه ایران فرستاده است . بدون کس از جریان این سکه ، کمال اطلاع دارم . ضرورت اظهار  
 که نظر بغداد متوجه به حسب دستور امور دولت خود در تاریخ ۲۹ ژوئیه ( ۲۵ رجب ) این نوشته منی بر اینکه مازر اسکندر  
 به در استخفاف از قدرت قانون منته قبول شدت یار این تغییر ای که در یاد داشته امروز یاد شده از دایره نظارت  
 به دولت انجمن نفت است مراد از دایره سلطنت دولت ایران بچه حاضر چهار یکده که خفتن با یک است  
 دیگری تنق میون که گذارند ایران را در محضر سکه راجع بخی استقلال خود اقدامی یار در صورتیکه مراعات استقلال  
 و نهایت ادراک این سکه آذین فرستاده نکرده اند . حیثیت شخصی من اینی ندادد ملی موقعیت ما و بیست کن در  
 سلطنت یا عدم آن برای ایران که امروز ما به خود را بن توپان داشته در برای هموطنان من که طبعاً با موقعیت من  
 در این کار هم سسته اجمت زیادی را دارد است . بجز روز تهنه من با خ خدمت صراحتاً بین نماینده که بجز در این  
 دولت همه که دلارای سلف در ایفر سسته ایرادی در کار من بخوانند داشت و بیانی است این اظهارش در بگر سسته  
 سبزی قدر دارد به بکس بهتر از نمایندند که در ذاتاب مازر اسکندر به مقصود سایر منظور بوده هیچ عاقبت  
 سوه ظن نمیاید که بجوامه دضر عقبات بسیار که تقیاً صورت شمر خود در خرابه کار من خواهد بود بوم بیه چه تصور  
 که می نم اول قدم مهر که بردی رخ مرج و مرج بریده درم جان در مکتبی که کرد آذیندی صمیم خود را در برتی  
 سعادت دین مکتب چاره را که بجوامه خدمت کنم اظهار داشته اند بر حانه جو بگر نماینده . یا وزارت خارجه  
 درست نعت است که در اناناز ملک چهره در این بر صانع سنا در دینان چنین خیال خواهند کرد که انجمن حقیقه  
 من بوفیت کار فرستاده که نشسته در اینکه مجبوراً خود منم تصور خواهم کرد که بنایر بیگونه سعادت دولت  
 از جهت انجمن در یک چنین سکه خطیری تر صد بود اگر این با یک مکتب متاخر بود خاص موجب

را در است بکه بر وسط اصول مسفره که کنفیس در روس بر خست و بواسطت ایران بر قرار داشته اند و در میان  
 کنفیس در بنا در تاریخ ۲۴ رجب ز قه بن نوشت منی بر دیکه دولت کنفیس پیش اجازه داده است که بن اظهار  
 داند که (قبول نامه مازر استخوان قبول دیناری زار زاری «خزنده» را بناید بر از نصب خود در قشون هند استخا  
 به) چون در پشته ای که ابتدا مازر استخوان کرده بودم ذکر می از زوم استغفا از خدمت کنفیس نش بود و سلام که  
 دین طلب صرح شد برای دولت ایران در س خدمت رسیده با مازر استخوان تفاوتی نمیکند لهذا اطمن خیال کردم  
 اینکه استغفا به قبول خواهند نموده و مهم مگر آن استغفا دارد. بحال تعجب معلوم شد که اقدام کنفیس در این موقع در حال  
 یک دوامتی مورخه ۸ اوت (۱۳ شعبان) بوزارت خارجه ایران بود نیز مضمون (دولت ایران ناگاه می  
 داده می شود که در استخوان مازر استخوان صهر ازین مکرر شده او را در شمال ایران بکار بکارند و اگر دولت ایران  
 نماید دولت اعظمیت پادشاه انگلستان حق دولت روس را در برابر اینکه در حفظ منافع خود در شمال ایران به  
 خواهد نمود) عجب تنه به مصری است ما بین چنان!

دین یادداشت را در ۱۹ اوت ۲۴ شعبان استمیر کرده به دین مضمون اظهار داشته (احتفالی را که  
 تاریخ ۸ اکت مطابق ۱۳ شعبان نموده است با مضمون که بجز اینکه استخوان مازر استخوان برای شمال ایران باشد  
 دولت ایران نهایت در استخوان مازر استخوان صهر ازین مکرر شده او را در شمال ایران بکار بکارند و اگر دولت ایران  
 امپراطوری روس را تصدیق خواهند نمود که هر قدر می را که برای محافظت مصالح خودشان در شمال ایران لازم  
 به (نمونه بناید) اگر جرات نباشد خوب است پریم که این منافع ناممور در شمال اعظم است که به  
 این رسیده. مسما در قرار داد ۱۹۰۷ قهرکی از آن نش است و دولت ایرانم که در این خبر ندارد  
 کنفیس هم تاریخ ۲۲ ژوئیه (۲۵ رجب) معلوم می شود بی اطلاع بوده است و الا چگونه در ذکر قبول مازر استخوان  
 از خدمت قبول نموده باشد تا مازر استخوان مکررات با دولت ایران را انصافاً بر او برای تکمیل ایجابات  
 بی ذکر نمود که معذرت روس در ۱۹ اوت (۲۴ شعبان) یادداشتی بوزارت خارجه اعلام بدین مضمون  
 در دولت امپراطوری بنا بر آن خطی که در مواقع خود بر دولت علیه اعلام بان شده است استخوان صهر ازین مکرر شده  
 را به استیانت قوای انگلستان در نزد روسی جهت در صورتی است منافع خود را بر دسترس دسترس کرده است  
 استخوان را در دست نماید و اگر امپراطور است در امپراطوری برابر خود خانه حق خواهد بود که تمام منافع خود

مکول چنانچه پادشاه است که بپس از مجرای رسمی ترتیب سینه صادر شد بعد از ادعای غریب روسها  
 آورده تعقیب نمایند. و رضا خان تبعه ایران که بوقت در قزوین روسی مدعیان خود را بر غیر روسی  
 یا اینکه فلان شخص بوجب حکم امپراطور روس که بچوخت دراز داشتند دعوی نسبت روس میکند. قواعد  
 قوانین تابعیت معمولاً در طریق مذاکرات و قرارداد های دوستانه مابین دولتها صورت میگیرد این  
 را دولت قوی آلت دست کرده شد بر توضیح حقوق دولت ضعیفتری را فراهم آورد.

بهترین نمونه از خصوصیات غیر روس نسبت به دولت ایران اقامت است که اخیراً پنج ایالت  
 در شمال روس در طران کرده که خود را از جزئیات آن کانا سبوقم حقایق آن هنوز در خاطرهای مردم تازه  
 بیداریت که کوشش و حشمانه رفتار نمودن عده کثیر از قزاقان روس بر آرد که در نفع جنب و نفع روس  
 به یکس تمام رسم نسبت بچند نفر اندازم. بیه ایران همسایگان در شمال قزوین روس نوزاد است از قزاقان  
 و اقر روس نسبت به ایران. و قزوین مدخله کنیم مع رغم قرارداد ۱۹۰۷ که بوجب آن انگلیس در روس  
 استقلال ایران را مستند شد دولت روس مرتب این عمرش با اعتراض دولت ایران درین باب هیچ  
 و قزوین گذشته و دولت انگلیس هم که یکی از اصناف کندگان قرارداد بوده در حال سکوت مابین رفتار نظریه بوده است  
 قدر نسبت این قرارداد مشهور بر ایران قرار معلوم می شود. در مورد اعتراض دولت ایران و مطالبه عزل این  
 صاحب قزوین سعادت روس بجز جواب بکنند. رادان که در بعضی موارد در مازنران و در این دولت  
 زبان شده و بیگم نمی که بعضی از افسران در جنگ را که بوقت روس بهای سر خود او داشته بودند بیانی  
 شد باشند. که از این اظهار معصودان است که بپس از آنرا که آرد باشند که آن طرف عمارت  
 پس از اینها می دانم تا مردم در قضاوتات روس در جلو گیر رسم ترتیبی که ایران بود از خود را  
 فدا اسارت روسیه از حیث مایه براند و در افسران انگلیس در باب دیکه بوجب دستخط شده ۱۸۸۸ حضرت  
 دولت ایران خود حق ندارد که رده آهن در جنوب اهدا نشاید و این حق مختص به دولت انگلیس است.  
 بخواهم شرح این مطالب را بنویسم مطلب بطول بنابر.

خوب است مخصوصاً ذکر می نمود (اشکوت) بودند در حیث دیکه این مسئله فرسوده است

این اقدام در این معنی در قسب پیمان بر میان بخشید این بود که تصور نمودند که در زمین روس دپوشم زرنگه علی و در کابوگون  
حیثیت دارند و بنا بر این پریش در است سرودم را بشکرت نمودند.

تقریباً در ۳۱ ژوئیه (۵ ثبات) دیگر از نوکلوی روس در اوطی چند نفر را بندر خوار در دستگیر کرده در همان زمان  
قونول روس در پشت ذائق روس بداده نظیر فرستاده گفتار از تاریخ ایران تمام توقیف بود بعد از این که هر چه در خانه است  
تخلص نماید.

بوجب قرارداد ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس که مفاد آن در این حد است که پیش چشم ایران سبب از استقلال و آزادی  
ایران که تصدیق شد اگر چه استقلال و آزادی ایران حاجت این اعتراف ندارد معذرت با وجود این قرارداد روس  
غریب ترین عقیده را در تاسبات بین المللی بسم (حق حمایت) در ایران تعقیب کرده و پذیرد. سفارت و قونول روس  
روسی نه فقط دعوی حق منتهی نسبت تمام رعایای (قانونی و غیر قانونی) روس در تمام ایران میکنند بلکه طبقه  
دیگری از مردم خصوصاً در تاجیکون و خائنین معروف که تبه ستم بر زنند دعوی حق حمایت داشته میکنند و حق تعقیب  
در طرف است ایران نسبت به تاجیکان و روسان روسی که در ایران و درین حمایت روس نیز آنها را  
از ادای بابت بدست ایران محفوظ میدارد و چون غیر از آن بوسیله ترتیب سلوک حکومت روس که در کنترل  
نموده از نه فقط باعث قدرت عمده بود ایران بشود بلکه بابت ضعف است که در صورت توفیق سایر مردم  
از ادای بابت خود میگذرد. در بسیاری از موارد کار که از آن روس دشمنان را که حیات میکنند خود از درز که تاجیکان  
هستند. در موارد دیگر بهانه که در مورد تاجیکان آنهاست و در نزد بعضی غریب است که به تهور یا از. مثلاً اگر کسی از خاندان  
روسی پرسد چه تفسیری باید که چو بوی خطر شاهزاده خانم اصفهانی هزاره تاجیک میاتی بود که خدیو روسان  
مردمن است بپردازد. همین در مورد کاروان پرزای سوزن عمر شاه ملوک. همچنین سوزن بپردازد  
که در این اواخر کشتیدار بابت طران اسب شاهزاده عزالدوله را برادر سردا صحن بایات توقیف کرد  
هر سفارت روس ذرات نمود از جوابی که میخواستند شخص را نمیخوانند از خزانه خود داری باز. که گفته اند  
حرف در این است که خطر رعایا را در هم در ایران از ادای بابت محسنتی نمیشد. اگر چه بجز دعوی  
در تفسیر ماده چهارم قرارداد کنگی با نه ایران و روس عنوان شد است. تفسیر بابت بابت ایران

از سبب کشف شده است برین اساس که در وقت لازم نیاید . دیدیم به اقدامی فرسول و زوال مندرجه  
 در سبب که در مورد دولت منادی القوه قطعاً بجز جنگ یکدیگر . فقط عذیر که اغارت روس در تعارض با تخطی آورده  
 این بولنه فایده دولت روس بمنج خیر رسیدگی امکان اعطای نموده اند . حقیقت در قریب این است که به علم این که  
 رسیدگی صادر نشود و حال که اگر صادر نشود روسها حق این مختصر را هیچ وجه ندارند . هر از در وقت با  
 درجه این حادثه بدون هیچ تردیدی بگویم که کثرت در استغناء گشته این صورت گشت .

در توجیه شایع الدوله بر امر خود به تریز در کلمات بسیار و در خود تریز خود بر امر دفع و در فرسول و زوال  
 در امور حکومت مع ذلته شور و ایکنه بر آن نیز هیچ قسم در اوقات دفعه پنجم در هیچ صورت در نظر نباید در دست  
 شود در صورتیکه در همان موقع بفرزادینه روس بیست پیش و اولان در روسی شایع الدوله سبب بود  
 شایع نظام در این حکومت و نیز بواسطه خفت بدست و دستگیر کرده بود . اولین روسی اورا در مجلس پروت  
 شایع نظام به آن خود اورا در زور آورده داشته حکم داد که بفرزادینه روسی به در دست سازد و در کپنه در  
 بجز تسمیه است در حمایت او عداوت در زور .

اولی تریز خفت زیادی بر امر شایع الدوله بفرزادینه روسی در تریز دست در ذاتی روسی  
 جنگ زنانه و در این تریز و ختم بر پیش ریش بی از زوال خطای در در روسی . حالیکه خود این  
 بر غیر بخواه جنگ (شده بود) بحث فرزند زور چهار ایوانه ملا دستگیر نوب بر باز خانه روسی با یک بود  
 و شبیکه بهر سلطان رسیده اند بخواته وارد شد در دیر شایع الدوله در حدود موقت بود که بفرزادینه  
 روسی فرزند او . خود را محو نام به بجز یک نزدیک بود و در یک نظیر زنا زناده که این خبر در روسی  
 که محمد علی با و آورده بفرزادینه بیک فرزند طران رسیده و اطلاع خود فرموده است و بخت را بخت  
 بسیار سپرده و معنی ایام قبول نموده است . و در یک نظیر در دیر شایع الدوله است که کس اسم محمد علی بر  
 دست زنی بیام در روسی که مسوق بشده بود تو فرزند خود هم بخت داده اند که در طلب نظم شهر باشد .

این تریز عداوت هم توسط جبر در شهر است و در زور و ایوانه این اخبار که در زور و ایوانه  
 شایع محمد علی بر اغان کرده و در زور پذیرا شد برای تمام که در طرف او زمین است .